



الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

مَوَاعِظُ قِيَمَةٌ

إِسْمُ التَّفْضِيلِ وَ اسْمُ الْمَكَانِ

فِي سَوْقِ مَشْهَدٍ

أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ.

رَسُولُ اللَّهِ (ص)

بهترین بندگان خدا نزد خدا سودمندترین آنها برای بندگان هستند.



مَوَاعِظُ قِيَمَةٌ

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

پندهای گران‌قیمت

يُحِبُّ	الْآبَاءُ	وَ	الْأُمَّهَاتُ	رُؤْيَةَ
دوست می‌دارد	پدران	و	مادران	دیدن
أَوْلَادِهِمْ	فِي	أَحْسَنِ	حَالٍ	وَ
فرزندانشان	در	بهترین	حال	و
لِذَلِكَ	يُرْشِدُونَهُمْ	دَائِمًا		
به خاطر آن	آنان را راهنمایی می‌کنند	همیشه		

ترجمه روان:

پدران و مادران دیدن فرزندانشان را در بهترین حالت دوست می‌دارند و به خاطر آن همیشه آنان را راهنمایی می‌کنند.

إِلَى	الصِّفَاتِ	وَ	الطَّيِّبَةِ	الْأَعْمَالِ
به	خصلت‌ها	و	خوب - پاکیزه	کارها
الصَّالِحَةِ	كَأَنَّهَا	وَ	الْحَسَنَةِ	تَعَلَّمَ
خوب - شایسته	مانند اخلاق	و	نیکو	یادگیری
الْعُلُومِ	وَ	الْمَهَارَاتِ		
دانش‌ها	و	مهارت‌ها - توانمندی‌ها		

ترجمه روان:

به خصلت‌های پاکیزه و کارهای خوب، مانند اخلاق نیکو و یادگیری دانش‌ها و توانمندی‌ها

وَ	الْفُنُونِ	وَ	النَّافِعَةِ	الْإِبْتِعَادِ
و	هنرها	و	سودمند	دوری جستن
عَنِ	الْأَرَاذِلِ	وَ	التَّقَرُّبِ	إِلَى
از	فرومایگان	و	نزدیک شدن	به
الْأَفْضَلِ	وَ	الْإِهْتِمَامِ	بِالرِّيَاضَةِ	وَ
شایستگان	و	توجه کردن	به ورزش	و
الْمُطَالَعَةِ	الْكُتُبِ			
مطالعه	کتاب‌ها			

ترجمه روان:

و هنرهای سودمند و دوری جستن از فرومایگان و نزدیک شدن به شایستگان و توجه کردن به ورزش و مطالعه کتاب‌ها

وَ	وَ	القانون	احترام	وَ
و	و	قانون	احترام گذاشتن به	و
الْكَهْرِبَاءِ	وَ	الماء	استهلاك	فی
برق	و	آب	مصرف کردن	در
غیر	وَ	التغذية	حُسن	وَ
جز - غیر	و	تغذیه	نیکی - خوبی	و
الأعمال	وَ	الصفات	مِنَ	ذَلِكَ
کارها	و	خصلت‌ها - ویژگی‌ها	از	آن

ترجمه روان:

و احترام گذاشتن به قانون و صرفه‌جویی در مصرف آب و برق و خوبی تغذیه و غیر آن (جز آن) از خصلت‌ها و کارها ...

وَ	الْكَرِيمِ	الْقُرْآنِ	فی	وَ
و	بزرگ - ارجمند	قرآن	در	و
لُقْمَانَ	لِإِبْنِهِ	يَقْدِمُ	الْحَكِيمِ	لُقْمَانَ
لقمان	به پسرش	تقديم می‌کند	حکیم	لقمان
قِيَمَةً	نَمُوذَجٌ	هَذَا	وَ	قِيَمَةً
با ارزش - ارزشمند	نمونه‌ای - الگویی	این	و	با ارزش - ارزشمند
لِيَهْتَدَى	الشَّبَابِ	كُلُّ	بِهِ	لِيَهْتَدَى
تا راهنمایی شود	جوانان	همه	با آن	تا راهنمایی شود

ترجمه روان:

و در قرآن کریم «لقمان حکیم» را می‌بینیم که به پسرش پندهایی ارزشمند تقدیم می‌کند و این الگویی تربیتی است تا با آن همه جوانان راهنمایی شوند.

فَ	الْقُرْآنِ	فی	قَدْ جَاءَ	فَ
پس	قرآن	در	آمده است	پس
يَا	الصَّلَاةَ	أَقِمِ	بُنَى	يَا
ای	نماز	برپا دار	پسرکم	ای
أَمْرٌ	إِنَّهُ	وَ	بِالْمَعْرُوفِ	أَمْرٌ
امر کن	نهی کن - بازدار	و	به کار نیک	امر کن
الْمُنْكَرِ	عَلَى	اصْبِرْ	وَ	الْمُنْكَرِ
کار زشت	بر	صبر کن	و	کار زشت
أَصَابِكَ				أَصَابِكَ
به تو رسید				به تو رسید

ترجمه روان:

و در قرآن کریم آمده است: ای پسرکم! نماز را برپا دار و به کار نیک امر کن و از کار زشت بازدار و بر آن چه به تو رسید صبر و شکیبایی کن.

وَ	عَزَمِ الْأُمُورِ	مِنْ	ذَلِكَ	إِنَّ
و	کارهای مهم	از	آن	بی شک - همانا
لا تَمْشِ	وَ	لِلنَّاسِ	خَذِكَا	لا تُصَعِّرْ
راه نرو	و	برای مردم	رویت را	با تکبر برنگردان
اللَّهِ	إِنَّ	مَرَحًا	الْأَرْضِ	فِي
خداوند	بی شک، همانا	با ناز و خودپسندی	زمین	در
وَ	فَخُورٍ	مُخْتَالٍ	كُلِّ	لا يُحِبُّ
و	فخر فروش	خودپسند	هر	دوست ندارد
اغْضُضْ	وَ	مَشِيكَا	فِي	اَقْصِدْ
پایین بیاور	و	راه رفتنت	در	میانروی کن
الْأَصْوَاتِ	أَنْكَرَ	إِنَّ	صَوْتِكَ	مِنْ
صداها	زشت ترین	بی شک - همانا	صدایت	از
		الْحَمِيرِ	صَوْتُ	لَ
		الاعْغَا	صدا	قطعاً

ترجمه روان:

همانا آن از کارهای مهم است و با تکبر رویت را از مردم برنگردان و در زمین با ناز و خودپسندی راه نرو همانا خداوند هر خودپسند فخر فروش را دوست ندارد و در راه رفتنت میانروی کن و صدایت را پایین بیاور همانا زشت ترین صداها قطعاً صدای الاغها است.

يُحَافِظُ	مَنْ	يُحِبُّ	اللَّهِ	إِنَّ
نگهداری می کند	کسی	دوست می دارد	خداوند	بی شک - همانا
فَ	وَقْتِهَا	فِي	الصَّلَاةِ	عَلَى
پس	وقت آن	در	نماز	بر
الدِّينِ	عَمُودَ	إِنَّ	النَّبِيِّ ﷺ	قَدْ قَالَ
دین	ستون	بی شک - همانا	پیامبر (ص)	گفته است
				الصَّلَاةُ
				نماز

ترجمه روان:

همانا خداوند کسی را که از نماز در وقت آن نگهداری می کند، دوست دارد، پیامبر (ص) فرموده است: «همانا ستون دین نماز است.»

وَ	عَلَيْنَا	أَنْ	نَكُونَ	مُشْتَاقِينَ
و	ما باید - بر ما واجب است	که	باشیم	علاقتمندان
إِلَى	الْأَعْمَالِ	الصَّالِحَةِ	وَ	نَاهِينَ
به	کارها	نیکو - شایسته	و	بازدارندگان
عَنْ	الْمُنْكَرِ	وَ	صَابِرِينَ	عَلَى
از	کار زشت	و	شکیبایان	بر
الْمَشَاكِلِ	وَ	الشَّدَائِدِ	فَإِنَّ	ذَلِكَ
مشکلات	و	سختی‌ها	پس همانا	آن
مِنْ	الْأُمُورِ	الْمُهْمَةِ		
از	کارها	مهم		

ترجمه روان:

و ما باید به کارهای شایسته علاقتمند باشیم و بازدارنده از کار زشت و شکیبا بر مشکلات و سختی‌ها؛ پس همانا آن از کارهای مهم است.

وَ	عَلَيْنَا	أَنْ	نَتَوَاعَعَ	أَمَامَ
و	ما باید - بر ما واجب است	که	فروتی کنیم	در برابر
أَسَاتِدِنَا	وَ	أَصْدِقَائِنَا	وَ	زُمَّلَانِنَا
استادانمان	و	دوستانمان	و	همشاگردی‌هایمان
وَ	جِيرَانِنَا	وَ	أَقْرَبَانِنَا	وَ
و	همسایگانمان	و	نزدیکانمان - خویشاوندانمان	و
كُلِّ	مَنْ	حَوْلَنَا		
همه	کسانی که	اطراف ما - پیرامون ما		

ترجمه روان:

و ما باید در مقابل استادانمان و دوستانمان و همشاگردی‌هایمان و همسایگانمان و نزدیکانمان و همه‌ی کسانی که در اطراف ما هستند فروتن باشیم؛

فَدَ	قَدْ قَالَ	الْإِمَامُ	الْكَاطِمُ (ع)	الْحِكْمَةُ
پس	گفته است	امام	کاظم (ع)	دانش
تَعْمُرُ	فِي	قَلْبِ	الْمَتَوَاضِعِ	وَ
عمر می کند	در	دل	فروتن	و
لَا تَعْمُرُ	فِي	قَلْبِ	الْمُتَكَبِّرِ	الْجَبَّارِ
عمر نمی کند	در	دل	خودپسند - خودبزرگبین	ستمکار زورمند

ترجمه روان:

امام موسی کاظم (ع) فرموده است: «دانش در دل (انسان) فروتن ماندگار می شود و در دل خودپسند (خودبزرگبین) ستمکار زورمند ماندگار نمی شود.»

إِنَّ	اللَّهَ	لَا يُحِبُّ	كُلَّ	مُعْجَبٍ بِنَفْسِهِ
بی شک - همانا	خداوند	دوست ندارد	هر	خودپسند
إِذَنْ	عَلَيْنَا	أَنْ	لَا نَتَكَبَّرَ	عَلَى
بنابراین	ما باید، بر ما واجب است	که	تکبر نورزیم	بر
الْآخَرِينَ				
دیگران				

ترجمه روان:

همانا خدا هیچ خودپسندی را دوست ندارد. بنابراین ما باید به دیگران تکبر نورزیم.

فَإِنَّ	اللَّهَ	لَا يُحِبُّ	الْمُتَكَبِّرِينَ	وَ
پس همانا	خداوند	دوست ندارد	خودبزرگبینان - خودپسندان	و
عَلَيْنَا	أَنْ	لَا نَرْفَعَ	أَصْوَاتَنَا	فَوْقَ
ما باید - بر ما واجب است	که	بالا نبریم	صداهايمان	بالا
صَوْتِ	الْمُخَاطَبِ			
صدا	مخاطب - شخص روبه رو			

ترجمه روان:

پس همانا خداوند خودبزرگبینان را دوست ندارد و ما نباید که صداهايمان را از صدای مخاطب (شخص روبه رو) بالا ببریم.

فَ	قَدْ شَبَّهَ	اللَّهُ	كَلَامَ	مَنْ
پس	شبيه کرده است - مانند کرده است	خداوند	سخن	کسی که
يَرْفَعُ	صَوْتَهُ	دُونَ	دَلِيلٍ	مَنْطِقِيٍّ
بالا می برد	صدایش	بدون	دلیلی، علّتی	منطقی - درست
بِـ	صَوْتِ	الْحِمَارِ		
به	صدا	الاغ		

ترجمه روان:

پس خداوند سخن کسی که صدایش را بدون دلیل منطقی بالا می برد به صدای الاغ تشبيه کرده است.

مُخْتَالٌ: خودپسند (= مُعْجَبٌ بِنَفْسِهِ، مُتَكَبِّرٌ) (≠ مُتَوَاضِعٌ)	جَبَّارٌ: ستمکار زورمند (= قَادِرٌ، قَاهِرٌ) (صفت خدَا به معنای توانمند)	إِدْنٌ: بنا بر این
مَرَحًا: شادمانه و با ناز و خودپسندی	حَمِيرٌ: خرها (مفرد: حِمَارٌ)	إِسْتِهْلَاكٌ: مصرف کردن (ماضی: اِسْتِهْلَكْتُ؛ مضارع: يَسْتِهْلِكُ)
مَشِيٌّ: راه رفتن (= سِيرٌ)	خَدٌّ: گونه (جمع: خُدُودٌ، أَخْدَةٌ)	أَغْضَضُ مِنَ صَوْتِكَ: صدایت را پایین بیاور (ماضی: غَضُّ؛ مضارع: يَغْضُضُ)
مُعْجَبٌ بِنَفْسِهِ: خودپسند (= مُخْتَالٌ) (≠ مُتَوَاضِعٌ) إِعْجَابٌ بِنَفْسٍ: خودپسندی	شَبَّهَ: تشبیه کرد (مضارع: يُشَبِّهُ؛ مصدر: تَشْبِيهٌ)	أَقْبَضَ: میانه روی کن (ماضی: قَصَدَ؛ مضارع: يَقْصِدُ)
مُنْكَرٌ: کار زشت (= فُجُورٌ، فَحْشَاءٌ، قَبِيحٌ)	عَزَمَ الْأُمُورِ: کارهای مهم	أَقِمِ: بر پای دار «أَقِمِ الصَّلَاةَ» نماز را بر پای دار (ماضی: أَقَامَ؛ مضارع: يَقِيمُ؛ مصدر: إِقَامَةٌ)
ناهی، ناه: بازدارنده (جمع: نَاهُونَ، نَاهِيْنٌ وَ نَهَائَةٌ) (≠ آمِرٌ)	فَخَّرَ: فخر فروش (= مُتَمَتَّخِرٌ، مُخْتَالٌ) (≠ مُتَوَاضِعٌ)	إِقْتِصَادٌ: صرفه جویی (ماضی: اِقْتَصَدَ؛ مضارع: يَقْتَصِدُ) (≠ إِسْرَافٌ)
نَمُوذَجٌ: نمونه (جمع: نَمَازِجٌ)	فُنُونٌ: هنرها (مفرد: فَنٌّ)	أَنْكَرَ: زشت تر، زشت ترین (= أَقْبَحَ) (≠ أَجْمَلَ) (إِسْمُ التَّفْضِيلِ)
يُقَدِّمُ: تقدیم می کند، پیش می فرستد (ماضی: قَدَّمَ؛ مصدر: تَقْدِيمٌ) (= يُعْطِي، يُهْدِي)	قَبِيْمٌ: ارزشمند (= ثَمِيْنٌ) (≠ بَخْسٌ)	أَنَّهُ: باز دار (ماضی: نَهَى؛ مضارع: يَنْهَى) (≠ أَوْمَرُ)
حَيٌّ: بشتاب (فعل أمر) (= عَجَلٌ)	لَيْ بِيْ غَمَانٌ (حرف تأكی)	أَوْمَرُ: (فعل أمر) دستور بده «وَأَوْمَرُ + وَ أَمْرٌ» (≠ أَنَّهُ)
الْفَلَقُ: سپیده دم (≠ الشَّقُّ) (جمع: الأَفْلاقُ)	لَا تَصْعَرْ خَدَّكَ: با تکبر رویت را برنگردان (ماضی: صَعَرَ؛ مضارع: يَصْعَرُ)	تَرْبُوعٌ: پرورشی «تَرْبِيَّةٌ + ي»
أَهْدَى: هدیه کرد (= أَعْطَى) (مضارع: يُهْدِي؛ مصدر: إِهْدَاءٌ)	لَا تَمْشِ: راه نرو (فعل نهی) (ماضی: مَشَى؛ مضارع: يَمْشِي؛ امر: امْشِ)	تَعَمَّرُ: عمر می کند، در اینجا یعنی «ماندگار می شود» (ماضی: عَمَرَ)
غَلَبَتْ: چیره شد	لِيَهْتَدِي: تا راهنمایی شود (ماضی: اِهْتَدَى؛ مصدر: اِهْتِدَاءٌ)	جَادِلٌ: ستیز کن (مضارع: يُجَادِلُ؛ مصدر: مُجَادَلَةٌ) (جَادَلٌ = نَازَعٌ، عَارِضٌ)
نَوَعِيَّةٌ: جنس	سِعْرٌ: قیمت (جمع: أَسْعَارٌ)	ضَلَّ: گمراه شد (≠ اِهْتَدَى) (مضارع: يَضِلُّ؛ مصدر: ضَلَالٌ)
تَخْفِيفٌ: تخفیف (ماضی: خَفَّفَ؛ مضارع: يُخَفِّضُ) (= تَقْلِيلٌ)	زَمِيلٌ: همکار (جمع: زُمَلَاءٌ)	مُنْتَجِرٌ: مغازه
المُهَانُ: خوار (= حَقِيرٌ، دَنِيءٌ)	مَهَلًا: آرام باش	مَيِّزٌ: (فعل أمر) جدا و سواکن (ماضی: مَيَّزَ؛ مضارع: يَمَيِّزُ؛ مصدر: تَمْيِيزٌ)
الصَّمْتُ: دم فرو بستن (= السُّكُوتُ)	الشَّائِمُ: دشنام دهنده (اسم فاعل)	دَعَّ: رها کن (ماضی: وَدَعَّ؛ مضارع: يَدْعُ)
عَذَّبَ: عذاب داد (مضارع: يُعَذِّبُ؛ مصدر: تَعْذِيبٌ)	سَاءَ: بد شد (مضارع: يَسُوءُ) (≠ حَسُنَ)	عَاقَبَ: کيفر کرد (مضارع: يُعَاقِبُ؛ مصدر: مُعَاقِبَةٌ)
مِيزَانٌ: ترازو (ترازوی اعمال) (جمع: مَوَازِينٌ)	حَسُنْتَ: نیکو گردانیدی (مضارع: يُحْسِنُ؛ مصدر: تَحْسِينٌ)	لَأَتَمِّمَ: تا کامل کنم (ماضی: تَمَّمْتُ؛ مضارع: يُتَمِّمُ؛ مصدر: تَمْمِيمٌ)

حوار (فی سوق مشهد المقدسة)
گفت و گو (در بازار مشهد مقدس)

بائع الملبس فروشنده لباسها	الزائرة العربية زائر عرب
عليكم السلام، مرحباً بك. درود بر شما باد، خوش آمدید.	سلام عليكم. درود بر شما.
ستون ألف تومان. شصت هزار تومان.	كم سعر هذا القميص الرجالي؟ قیمت این پیراهن مردانه چند است؟
عندنا بسعر خمسين ألف تومان. تفضلني انظري. ما به قیمت پنجاه هزار تومان داریم. بفرما نگاه کن.	أريد أرخص من هذا، هذه الأسعار غالية. ارزان تر از این می خواهم، این قیمت ها گران است.
أبيض وأسود وأزرق وأحمر وأصفر وبنفسجي. سفید و مشکی و آبی و قرمز و زرد و بنفش.	أي لون عندكم؟ چه رنگی دارید؟
تبدأ الأسعار من خمسة وسبعين ألفاً إلى خمسة وثمانين ألف تومان. قیمت ها از هفتاد و پنج هزار تومان شروع می شود تا هشتاد و پنج هزار تومان.	بكم تومان هذه الفساتين؟ این پیراهن های زنانه چند تومان است؟
سيدي، يختلف السعر حسب النوعيات. سرور من، قیمت با توجه به جنسها فرق دارد.	الأسعار غالية! قیمت ها گران است!
السروال الرجالي بتسعين ألف تومان والسروال النسائي بخمسة وتسعين ألف تومان. شلوار مردانه نود هزار تومان، و شلوار زنانه نود و پنج هزار تومان.	بكم تومان هذه السراويل؟ این شلوارها چند تومان است؟
ذلك متجر زميلي، له سراويل أفضل. آن مغازه همکارم است، او شلوارهای بهتری دارد.	أريد سراويل أفضل من هذه. شلوارهایی بهتر از اینها را می خواهم.
في متجر زميله... در مغازه همکارش ...	
صار المبلغ متين وثلاثين ألف تومان. أعطيني بعد التخفيض متين وعشرين ألفاً. مبلغ دو بیست و سی هزار تومان شد. بعد از تخفیف، به من دو بیست و بیست هزار تومان بدهید.	رجاء، أعطني سروالاً من هذا النوع. كم صار المبلغ؟ لطفاً یک شلوار از این نوع به من بده. مبلغ چند شد؟

در درس فارسی با «صفت برتر» و «صفت برترین» آشنا شده‌ایم، هرگاه بخواهیم دو چیز را با هم بسنجیم و یکی را بر دیگری برتری دهیم، از **صفت برتر** یا صفت تفضیلی استفاده می‌کنیم، اما وقتی می‌خواهیم یک چیز را با چیزهای دیگر (انواع مختلف) مقایسه کنیم، از **صفت برترین** یا صفت عالی استفاده می‌کنیم، برای ساختن صفت برتر و برترین به شکل زیر عمل می‌کنیم:

صفت ساده + تر ← صفت برتر صفت ساده + ترین ← صفت برترین

صفت ساده	صفت برتر	صفت برترین
زیبا	زیباتر	زیباترین
پاک	پاک‌تر	پاک‌ترین

👉 **نکته** در زبان فارسی، صفت برتر را پس از اسم و صفت برترین را پیش از اسم به کار می‌بریم:

👉 **مثال** درخت زیباتر / زیباترین درخت

در زبان عربی به صفت برتر / برترین، «اسم تفضیل» می‌گوییم و هنگام ساختن آن برای مذکر و مؤنث از دو وزن متفاوت استفاده می‌نماییم:

مثال	وزن	اسم تفضیل (مذکر)
أَكْبَرُ (بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین)، أَحْسَنُ (نیکوتر، نیکوترین)، أَفْضَلُ (برتر، برترین)	أَفْعُلُ	اسم تفضیل (مذکر)
كُبْرَى (بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین)، حُسْنَى (نیکوتر، نیکوترین)، فَضْلَى (برتر، برترین)	فُعْلَى	اسم تفضیل (مؤنث)

👉 **مثال** آسیا أكبر من أوروبا! / آسیا بزرگ‌تر از اروپاست! / آسیا أكبر قارات العالم! آسیا بزرگ‌ترین قاره‌های دنیاست!

👉 **نکته** گاهی اسم تفضیل مذکر بر وزنی شبیه «أَفْعَى» می‌آید:

أَعْلَى (بلندتر، بلندترین) أَعْلَى (گران‌تر، گران‌ترین) أَدْكَى (باهوش‌تر، باهوش‌ترین) أَعْوَى (قوی‌تر، قوی‌ترین)

👉 **نکته** گاهی دو حرف از سه حرف ریشه یک فعل، مثل همدیگرند (مانند: ح ب ب، ش د د)، در این حالت اسم تفضیل همراه با تشدید روی حرف تکراری ساخته می‌شود و در تشخیص آن باید دقت کنیم:

👉 **مثال** ریشه فعل (ح ب ب) ← اسم تفضیل: أَحَبُّ [محبوب‌تر] ریشه فعل (ق ل ل) ← اسم تفضیل: أَقْلُّ [کمتر]

ریشه فعل (ش د د) ← اسم تفضیل: أَشَدُّ [شدیدتر] ریشه فعل (ه م م) ← اسم تفضیل: أَهْمُّ [مهم‌تر]

مراقب باشید در تشخیص دو اسم مهم زیر دچار اشتباه نشوید:

اسم	وزن (نوع)	مؤنث آن	معنای فارسی
آخِر	أفعل (اسم تفضیل)	أخِری	دیگر
آخِر	فَاعِل (اسم فاعل)	آخِرَة	پایان (همان آخر خودمان!)

نکته اسم تفضیل مانند سایر اسم‌ها می‌تواند جمع بسته شود، معمولاً جمع مکسر آن بر وزن «أفعل» می‌آید:

مثال «أرادل» جمع مکسر «أردل» و «أفاضل» جمع مکسر «أفضل» و هر دو اسم تفضیل هستند.

باید مراقب باشید اسم تفضیل را با فعل ماضی از باب افعال (که بر وزن «أفعل» می‌آید)، فعل مضارع اول شخص مفرد (که همیشه در پایانش ضمّه می‌آید) و فعل امر برای مفرد مذکر اشتباه نگیرید:

مثال «قد أحسن المؤمن إلى الناس!» ← «أحسن» فعل ماضی سوم شخص از باب افعال است.

مثال «إني أرفع علم إيران!» ← «أرفع» فعل مضارع اول شخص مفرد است.

مثال «إرحم من في الأرض يرحمك من في السماء!» ← «إرحم» فعل امر برای مفرد مذکر است.

اسم رنگ‌ها بر وزن «أفعل» می‌آید اما هیچ‌کدام اسم تفضیل نیستند؛ «أخضر، أبيض، أسود، أحمر و...» هیچ‌کدام اسم تفضیل نیستند.

نکته همان‌طور که گفته شد اسم تفضیل برای مؤنث بر وزن «فُعلى» می‌آید:

مثال فاطمة الكبرى (فاطمه بزرگ‌تر) / هي الفضلى (او برتر است).

اما وقتی دو اسم مؤنث با هم مقایسه می‌شوند و بینشان «من» می‌آید، از همان وزن «أفعل» استفاده می‌شود:

مثال «بنتي أصغر من فاطمة!» (دخترم کوچک‌تر از فاطمه است!) ← دو اسم مؤنث مقایسه شده‌اند، پس اسم تفضیل به صورت وزن «أفعل» استفاده شده است.

نکته همان‌طور که گفته شد اسم تفضیل معادل «صفت برتر» و «صفت برترین» در زبان فارسی است:

هرگاه اسم تفضیل مضاف واقع شود، به صورت «صفت برترین» فارسی ترجمه می‌شود:

مثال سورة البقرة أكبر سورة في القرآن!؛ سورة بقره بزرگ‌ترین سوره در قرآن است!

مثال أحمد أكبر البنين في الأسرة!؛ احمد بزرگ‌ترین فرزندان در خانواده است!

در غیر این صورت اسم تفضیل به صورت «صفت برتر» ترجمه می‌شود:

مثال أحمد أكبر من أخيه!؛ احمد بزرگ‌تر از برادرش است!

مثال شاهدت الأخ الأكبر في الملعب!؛ برادر بزرگ‌تر را در ورزشگاه دیدم!

🔹 **نکته** «خَيْرٌ» و «شَرٌّ» گرچه بر وزن اسم تفضیل نیستند، اما گاهی می‌توانند اسم تفضیل واقع شوند، حالت‌های مختلف این دو اسم در

جدول زیر بررسی شده است:

حالت‌ها	معنی	نوع کلمه	مثال
حالت اول	خیر: خوبی شر: بدی	مصدر	لا خَيْرَ فِي مُجَالَسَةِ الْجَاهِلِ!؛ هیچ خیری در هم‌نشینی با نادان نیست!
حالت دوم	خیر: خوب شر: بد	صفت ساده	السَّعَادَةُ ثَمَرَةُ الْعَمَلِ الْخَيْرِ!؛ خوش‌بختی نتیجه‌ی کار خوب است!
حالت سوم	خیر: بهتر، بهترین شر: بدتر، بدترین	اسم تفضیل	أَنْتَ خَيْرٌ مِنْ جَمِيعِ التَّلَامِيذِ!؛ تو بهتر از همه دانش‌آموزان هستی! خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا!؛ بهترین کارها میانه‌ترین آن‌هاست! شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهِينِ!؛ بدترین مردم، شخص دورو است.

اسمُ المکان

یکی دیگر از وزن‌های مهم، «اسم مکان» است که بر مکان دلالت می‌کند، این اسم معمولاً بر وزن‌های «مَفْعَلٌ» و «مَفْعِلٌ» و «مَفْعَلَةٌ» می‌آید:

🔹 **مثال** «مَلْعَبٌ»: ورزشگاه ← مکان ورزش کردن «مَطْعَمٌ»: رستوران ← مکان غذا خوردن «مَصْنَعٌ»: کارخانه ← مکان ساختن

«مَحَلٌّ»: کجاوه ← مکان حمل کردن «مَنْزِلٌ»: خانه ← مکان نزول کردن «مَطْبَعَةٌ»: چاپخانه ← مکان چاپ کردن

🔹 **نکته** برای این که هیچ‌گاه وزن‌های اسم مکان را فراموش نکنید، عبارت «مَسْجِدٌ وَ مَعْبَدٌ» را به‌خاطر بسپارید!

🔹 **نکته** گاهی اسم مکان بر وزن «مَفْعَلَةٌ» می‌آید، باید دقت داشت که این وزن به معنای مؤنث بودن کلمه نیست:

🔹 **مثال** «مَكْتَبَةٌ»: کتابخانه «مَطْبَعَةٌ»: چاپخانه «مَدْرَسَةٌ»: مدرسه

🔸 تنها اسمی به عنوان «اسم مکان» شناخته می‌شود که بر وزن‌های گفته شده آمده باشد، باید مراقب باشیم که هر اسمی را که معنای مکان می‌دهد، اسم مکان در نظر نگیریم؛ اسم‌هایی مانند: تَحْتِ (زیر)، غَابَةِ (جنگل)، بِلَادِ (کشور)، مَدِينَةِ (شهر) و... که هیچ‌یک بر وزن‌های مشخص شده نیامده‌اند، اسم مکان محسوب نمی‌شوند.

🔹 **نکته** اسم مکان به صورت جمع مکسر و بر وزن «مَفَاعِلٌ» جمع بسته می‌شود:

🔹 **مثال** مَلْعَبٌ ← مَلَاعِبٌ مَطْعَمٌ ← مَطَاعِمٌ مَكْتَبَةٌ ← مَكَاتِبٌ مَدْرَسَةٌ ← مَدَارِسٌ



پرسش‌های تشریحی

(مکمل و مرتبط با صفحه‌های ۱ تا ۱۶ کتاب درسی)

۱- الف. تَرْجَمَ مَا تَحْتَهُ حَطًّا: إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُعْجَبٍ بِنَفْسِهِ. إِذْنًا عَلَيْنَا أَنْ لَا نَتَكَبَّرَ عَلَى الْآخَرِينَ. (مشابه مدرسه تلاش مهر پاینده - تهران)

ب. اُكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَرَادِفَتَيْنِ وَالْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَضَادَّتَيْنِ: أَنْكَرَ / مُهْتَدِي / مُتَوَاضِعٍ / أَرْخَصَ / أَفْطَحَ / فَخُورٌ
..... =
..... ≠

ج. عَيَّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْآخَرَى فِي الْمَعْنَى:

۱. أَحَبَّ - صُغْرَى - أَنْفَع - أَسْوَدَ

د. اُكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعًا الْكَلِمَتَيْنِ:

أَفْضَلُ:
الْفَنِّ:

(تألیفی)

۲- ۲. تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ:

(الف) ﴿وَاصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾

(ب) يُرْشِدُ الْأَوْلَادَ إِلَى الْإِقْتِصَادِ فِي اسْتِهْلَاكِ الْمَاءِ وَالْكَهْرِبَاءِ.

(ج) عَلَيْنَا أَنْ تَتَوَاضَعَ أَمَامَ أَصْدِقَائِنَا وَ زَمَلَانِنَا وَالْجِيرَانِ وَ كُلِّ مَنْ حَوَّلْنَا.

(د) مَا أَرْضَى الْمُؤْمِنُ رَبَّهُ بِمِثْلِ الْجِلْمِ.

(مشابه مدرسه تلاش مهر پاینده - تهران)

۳- ۳. الف) عَيِّنِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ:

(۱) ﴿وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ﴾:

و از مردم رو بر نمی گردانی. □ با تکبر از مردم رویت را برنگردان. □

(۲) ﴿وَجَادِلْهُمْ بَالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾:

(دبیرستان انرژی اتمی ایران - تهران)

و با آنان به روشی که نیکوتر است، بحث کن. □ و با کسی که بهترین است، ستیز کرد. □

(ب) اِمْلَأْ فَرَاغَاتِ التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ:

(مشابه مدرسه تلاش مهر پاینده - تهران)

۱. ﴿وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ﴾

و در ... ست میانه رو باش و از صدایت بکاه، زیرا ... صداها قطعاً صدای ... است.

۲. اَللَّهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خَلْقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي.:: خداوندا همچنان که ... را نیکو گردانیدی ... را

(مدرسه نمونه دولتی فرهنگ - تبریز)

۴- ۴. تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الَّتِي تَحْتَهَا حَطًّا:

۱. أَنَا لَا أَعْرِفُكَ.

۲. اُنْصَرُوا الَّذِينَ نَصَرُواكُمْ فِي الصُّعُوبَاتِ.

۳. مَا عَوَّقَ الْأَحْمَقُ بِمِثْلِ السَّكُوتِ عَنْهُ.

۴. لَمْ يَرْفَعْ صَوْتَهُ دُونَ دَلِيلٍ.

(تألیفی)

۵- ۵. الف) عَيِّنِ نَوْعَ الْأَفْعَالِ فِي الْجُمْلَةِ التَّالِيَةِ:

﴿فَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ﴾ فَلَا تَرْفَعُ أَصْوَاتَنَا؛ قَدْ شَبَّهَ اللَّهُ مَنْ يَرْفَعُ صَوْتَهُ دُونَ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ بِصَوْتِ الْحِمَارِ.

ب. عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ:

۱. فَعَلَ الْأَمْرَ: ← عَلَّمُوا □ عَلَّمْنَا □ عَلَّمَنَ □

۲. فَعَلَ الْمَاضِيَ: ← أَجْلَسْنَا □ أَجْلَسُوا □ أَجْلَسُوا □ أَجْلَسُوا □

(تالیفی)

۶-۶. اکتب ما طَلَب منك:

الف. عَيِّن اسْمَ الْمَكَانِ وَ تَرَجِّمُهُ:

۱. سَبَلَعِبِ اللَّاعِبُونَ فِي الْمَلْعَبِ بِمَدَّةِ سَاعَتَيْنِ.

۲. فِي هَذَا الشَّارِعِ مَطَاعِمٌ كَثِيرَةٌ.

ب. عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْآخَرَى فِي النَّوعِ مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ:

مَزَارِعٌ □ مَكْتَبَةٌ □ مَحَاوَلَةٌ □ مَخَازِنٌ □

ج. عَيِّنِ اسْمَ التَّفْضِيلِ وَ تَرَجِّمُهُ:

۱. حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ.

۲. هَذَا الطَّعَامُ أَقَلُّ مِنْ ذَاكَ.

د. عَيِّنِ اسْمَ التَّفْضِيلِ لِلْمَوْتِ: (أَعْلَى □ - كُبْرَى □)

هـ. عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِلْفِرَاقِ: جَبَلٌ دِمَاوَنْدٌ ... جَبَلٌ دَنَا. (أَعْلَى مِنْ □ - أَعْلَى □)

(مشابه دبیرستان انرزی اتمی ایران - تهران)

۷-۷. الف. أَعْرَبْ مَا تَحْتَهُمَا خَطًّا: عَدَاوَةٌ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ.

ب. عَيِّنِ اسْمَ التَّفْضِيلِ وَ اسْمَ الْمَكَانِ: ذَلِكَ مَتَجَرٌّ زَمِيلِي، لَهُ سَرَاوِيلٌ أَفْضَلُ!

ج. اُكْتُبِ الْعَمَلِيَّةَ الْحِسَابِيَّةَ التَّالِيَةَ كَأَمْتَالِ (١٤ = ٤ + ١٠):

عَشْرَةٌ زَائِدٌ خَمْسِينَ يُسَاوِي سِتِّينَ.

(مشابه مدرسه تلاش مهر پاینده - تهران)

(مشابه مدرسه نمونه دولتی فرهنگ - تبریز)

۸-۸. ضَعُ فِي الدَّائِرَةِ الْوَعْدَةَ الْمُنَاسِبَةَ «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»:

۱. الْأَبْيَضُ ○ الْمُسْتَبَدُّ الَّذِي لَا يَرَى لِأَحَدٍ عَلَيْهِ حَقًّا.

۲. الْمُنْكَرُ ○ مَكَانٌ لِلرِّيَاضَةِ.

۳. الْغَالِيُ ○ الْعَمَلُ السَّيِّئُ وَ الْقَبِيحُ.

۴. الْمَلْعَبُ ○ لَوْنٌ مَلَابِسِ الْمُمَرِّضَاتِ.

۵. الْخَدُّ ○ شَيْءٌ لَيْسَ رَخِيصًا.

۶. التَّخْفِيفُ ○ قِسْمٌ مِنْ صَفْحَةِ الْوَجْهِ.

۷. الْجَبَّارُ

۸. الْمَطْعَمُ

(تالیفی)

۹-۹. عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَ غَيْرَ الصَّحِيحَةَ: ✓ x

۱. يَجِبُ أَنْ لَا تَرْفَعَ أَصْوَاتَنَا فَوْقَ صَوْتِ مَنْ نَتَكَلَّمُ مَعَهُ.

۲. الْمَطْبَعَةُ مَكَانٌ لَطَبْخِ الطَّعَامِ.

۳. عَلَيْنَا أَنْ نَتَكَبَّرَ عَلَى إِخْوَانِنَا وَ أَخَوَاتِنَا.

۴. الْأَعْجَابُ بِالنَّفْسِ لَيْسَ عَمَلًا مَقْبُولًا.

۵. سِعْرُ الْفِضَّةِ أَرْخَصُ مِنَ الذَّهَبِ.

۶. شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهَيْنِ.

(مشابه مدرسه أسماء - مشهد)

۱۰-۱۰. الف. أَجِبْ عَنِ السُّؤَالِ التَّالِيِ:

فِي أَيِّ مَحَافِظَةِ مَدِينَةُ أَهْوَازِ؟

ب. رَتِّبِ الْكَلِمَاتِ وَ اُكْتُبْ سؤَالًا وَ جَوَابًا صَحِيحًا:

الألوانِ / عِنْدَكُمْ / هَذَا الْقَمِيصِ / أَيُّ / أَسْوَدٌ وَ أَزْرَقٌ / مِنْ / ؟ / . /

سوالات چهارگزینه‌ای

پیمانه ۲

۱۰
تست



ترجمه، تعریب و مفهوم

- ۱۱- ۱. «آبَاؤُنَا يُرْشِدُونَنَا إِلَى الْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ لِأَنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ.» (صفحة ۲ کتاب درسی) (آزمون کانون ۱۴۰۱)
- (۱) پدران، ما را به کارهای شایسته راهنمایی می‌کنند، زیرا خداوند کسانی را که ایمان می‌آورند و کار شایسته انجام می‌دهند، دوست دارد.
- (۲) پدران ما، ما را به کارهای شایسته راهنمایی می‌کردند زیرا که پروردگار ما، دوست دارد کسانی را که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند.
- (۳) پدران، ما را به کار شایسته ارشاد می‌کنند، زیرا پروردگار ما کسانی را که ایمان می‌آورند و کارهای شایسته انجام می‌دهند، دوست دارد.
- (۴) پدران ما، ما را به کارهای شایسته راهنمایی می‌کنند، زیرا خداوند دوست دارد کسانی را که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند.
- ۱۲- ۲. «عليكم أن تكونوا ناهين عن المنكر و صابرين في الشدائد لأن ذلك من أهم الأمور.» (صفحة ۳ کتاب درسی) (آزمون کانون ۱۴۰۱)
- (۱) شما باید نهی‌کنندگان از کار زشت و صبرپیشگان در سختی‌ها باشید، زیرا آن از مهم‌ترین کارهاست.
- (۲) بر شماست که از کارهای زشت دوری کنید و در سختی‌ها صبور باشید، زیرا که آن امر از مهم‌ترین کارهاست.
- (۳) شما باید نهی‌کنندگان از کارهای زشت و صابران در دشواری‌ها باشید، زیرا که آن از کارهای مهم‌تر است.
- (۴) بر شماست که نهی‌کننده از منکر و صبرپیشگان در گرفتاری‌ها باشید، زیرا آن موضوع، از کارهای مهم است.
- ۱۳- ۳. «إن الإنسان ألدی يجد طعاماً مناسباً لفكره فتصبح قدرته للفهم و العمل أكثر!» (کنکور سراسری انسانی ۹۸)
- (۱) انسانی که غذای مفیدی را برای اندیشه خود بیابد نیرویش برای فهم و عمل، بیشتر شده است!
- (۲) انسانی که غذای مناسبی برای فکر خود می‌یابد نیرویش برای فهم و عمل، بیشتر خواهد شد!
- (۳) اگر انسان غذای مناسبی را برای اندیشه خود بیابد نیرویش برای فهم و عمل، بیشتر خواهد شد!
- (۴) انسان کسی است که غذای مفیدی را برای فکر خود یافته و نیرویش برای فهم و عمل، بیشتر شده است!
- ۱۴- ۴. «كان يتكلم مع زميل مثله و يضحك؛ فنصحهُ المعلم.» (کنکور سراسری هنر ۹۸)
- (۱) با هم‌کلاسی خود سخن گفت و خندید، پس معلم او را نصیحت کرد.
- (۲) با هم‌کلاسی خود سخن می‌گفت و می‌خندید، پس معلم او را نصیحت می‌نمود.
- (۳) با یک هم‌شاگردی مانند خودش صحبت می‌کرد و می‌خندید، پس معلم او را نصیحت کرد.
- (۴) با یک هم‌شاگردی مانند خودش صحبت کرد و می‌خندید، پس معلم او را نصیحت می‌کرد.
- ۱۵- ۵. عَيْنُ الصَّحِيحِ:
- (۱) تَعَاهَدُوا أَمْرَ الصَّلَاةِ: با موضوع نماز پیمان بستید!
- (۲) شَبَّهِ الصَّوْتِ المَرْتَفِعِ بِصَوْتِ الحَمِيرِ: صدای بلند را به صدای خر تشبیه کرد.
- (۳) «يَكَادُ البرقُ يَخْطِفُ أَبْصَارَهُمْ»: برق نزدیک است که چشمانش را بریاید!
- (۴) «سَبَّحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا»: منزّه است خدایی که شبانه با بنده‌اش حرکت کرد!
- ۱۶- ۶. «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالتِّي هِيَ أَحْسَنُ.» (ترجمه، ترکیبی) (آزمون کانون - ۹۷)
- (۱) با دانش و اندرز نیکوتر به راه پروردگار خویش دعوت کن و به [شیوه‌ای] بهتر با ایشان بحث کن.
- (۲) با دانش و اندرز نیکو به راه پروردگارت فرا بخوان و با آنان به [شیوه‌ای] که بهتر است گفت و گو کن.
- (۳) به راه پروردگار خویش فرا بخوان با دانش و پند و به [طریقی] که بهتر است با آنها به جدال پرداز.
- (۴) به راه پروردگارت با حکمت و نصیحت خوب دعوت کن و با آنها به [روشی] که مناسب است جدل کن.

- ۱۷-۷. «قَدَّمَ الْأَمِيرُ بِالْمَعْرُوفِ مَوَاعِظَ قِيَمَةً لِشَبَابٍ يَمْشُونَ فِي الْأَرْضِ بِالْمَرْحِ.»
 (صفحه ۲ کتاب درسی) (آزمون کانون ۱۴۰۱)
- ۱) امرکننده بر نیکی جلو آمد تا اندرزهای ارزشمندی را به جوانانی ارائه کند که در زمین با فخر و کبر راه می‌رفتند.
 - ۲) یک امرکننده به نیکی‌ها به جوانانی که در زمین با شادی و ناز و خودشیفتگی راه می‌روند، نصیحت‌های ارزشمندی را پیشنهاد داد.
 - ۳) فرد مشهوری نصیحت‌های باارزشی را تقدیم جوانانی کرد که در زمین با غرور و ناز قدم می‌گذاشتند.
 - ۴) امرکننده به نیکی، اندرزهای ارزشمندی را تقدیم به جوانانی کرد که در زمین با ناز و خودپسندی و شادمانه راه می‌رفتند.
- ۱۸-۸. «رَبِّمَا تَسْتَطِيعُ أَنْ تَمْلِكَ بِالظُّلْمِ كُلُّ مَا تَرِيدُ، وَلَكِنْ بَدْعَاءِ مَظْلُومٍ تَفْقَدُ كُلَّ مَا قَدَّمْتَ مَلِكًا!»

(ترجمه، ترکیبی) (کنکور سراسری انسانی ۱۴۰۰)

- ۱) چه بسا بتوانی با ظلم هرچه را بخواهی مالک شوی، ولی با دعای یک مظلوم همه آنچه را مالک شده‌ای، از دست می‌دهی!
 - ۲) چه بسا توانسته باشی به وسیله ظلم هرچه را دوست داری مالک شوی، اما با دعای مظلوم علیه تو همه آنچه را کسب کرده‌ای، از دست خواهی داد!
 - ۳) شاید توانایی داشته باشی با ظلم همه آنچه را بخواهی به چنگ آوری، اما با یک نفرین مظلوم تمام آنچه را که در دستان تو است، از دست می‌دهی!
 - ۴) شاید قادر باشی به وسیله ظلم تمام چیزهایی را که دوست داری بدست آوری، ولی با یک دعای مظلوم همه چیزهایی را که مالک شده‌ای، از دست می‌دهی!
- ۱۹-۹. «يَجِبُ عَلَيْنَا أَنْ نَقْتَصِدَ فِي اسْتِهْلَاكِ قُوَّةِ الْكَهْرِبَاءِ حَتَّى لَا نُوَاجِهَ قَطْعَهَا فِي الْأَيَّامِ الَّتِي نَحْتَاجُ إِلَيْهَا!»

(ترجمه، صفحه ۲ کتاب درسی) (کنکور سراسری انسانی ۹۹)

- ۱) ما باید در مصرف نیروی برق صرفه‌جویی کنیم تا در روزهایی که به آن نیاز داریم با قطع آن مواجه نشویم!
 - ۲) صرفه‌جویی در مصرف انرژی برق واجب است تا با قطع شدنش در روزهایی که به آن نیاز داریم روبرو نشویم!
 - ۳) لازم است در مصرف انرژی برق صرفه‌جویی کنیم زیرا در روزهایی که با قطع آن مواجه می‌شویم به آن نیاز داریم!
 - ۴) بر ما لازم است که در مصرف نیروی برق صرفه‌جویی کنیم زیرا در روزهایی که با قطع شدنش روبرو می‌شویم به آن احتیاج داریم!
- ۲۰-۱۰. «قَدَّمَ لِي صَدِيقِي هَدِيَّةً فِي الْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ كَانَتْ قِيَمَةً، وَ أُرْشِدَتَنِي إِلَى سَبِيلِ الْخَيْرِ!»

(صفحه ۲ کتاب درسی) (کنکور سراسری انسانی ۱۴۰۰)

- ۱) هدیه‌ای را که دوستم از حکمت و موعظه‌ای ارزشمند به من داد مرا به راه خیر هدایت می‌نماید.
- ۲) دوستم به من حکمت و موعظه‌ای هدیه داد که ارزشمند است، و مرا به خوب‌ترین راه هدایت می‌کند.
- ۳) هدیه‌ای که دوستم از حکمت و پند به من داد ارزشمند بود، و مرا به سمت بهترین راه‌ها هدایت کرد.
- ۴) دوستم هدیه‌ای در زمینه حکمت و پند به من تقدیم کرد که ارزشمند بود، و مرا به سوی راه خیر هدایت نمود.

۱۰
تست

پیمانه ۳

- ۲۱-۱. «لَا يُرْضِي أَخِي أَنْ يَسِبَ مَنْ سَخَطَهُ، وَ يَحْلِمُهُ يُرْضِي اللَّهُ!»
 (صفحه ۱۱ کتاب درسی) (کنکور سراسری انسانی ۱۴۰۰)
- ۱) برادرم را دشنام دادن به کسی که او را خشمگین کرده خشنود نمی‌کند، و بردباریش خدا را راضی می‌نماید.
 - ۲) برادرم را دشنام دادن کسی که او را عصبانی کرده راضی نمی‌کند، و خداوند از بردباریش راضی می‌شود.
 - ۳) برادرم رضایت نمی‌دهد که دشنام دهد به کسی که او را عصبانی کرده، و خداوند از بردباریش خشنود می‌گردد.
 - ۴) برادرم راضی نمی‌شود به کسی که او را خشمگین کرده است دشنام دهد، و با بردباریش خدا را خشنود می‌سازد.
- ۲۲-۲. «هُوَ أَسْتَاذٌ عَالِمٌ فِي هَذِهِ اللُّغَةِ فَجَادِلْهُ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ لِأَنَّهُ أَعْلَمُ مَنْ فِي هَذِهِ الْبِلَادِ!»
 (ترجمه، ترکیبی) (کنکور خارج از کشور ۱۴۰۰)

- ۱) او استاد دانشمندی در این زبان است، پس با او با آنچه نکوتر است، بحث کن زیرا او داناترین کسانی است که در این کشور هستند!
- ۲) او استادی دانشمند در این زبان است، لذا به نیکوترین شیوه با او بحث کن زیرا او داناتر از کسانی است که در این کشور هستند!
- ۳) او استادی فاضل در این زبان است، پس بحث با او باید به نیکوترین چیز باشد، چه او داناترین کسانی است که در این کشور می‌باشند!
- ۴) او استاد فاضلی است در این زبان، لذا باید با او به روشی نیکو بحث علمی کنی چه او داناتر از آن‌هایی است که در این کشور می‌باشند!

۲۳-۳. «سُمِّيَتْ سُورَةُ الرَّحْمَنِ بِعُرْسِ الْقُرْآنِ بِسَبَبِ الْمَفَاهِيمِ الْجَمِيلَةِ الَّتِي نَتَعَلَّمُ مِنْهَا!»: (ترجمه، ترکیبی) (آزمون کانون - ۹۷)

- ۱) سوره الرحمن را عروس قرآن نام نهاده‌اند به دلیل این‌که مفاهیم‌های زیبایی را از آن یاد گرفته‌ایم!
- ۲) سوره الرحمن به دلیل مفاهیم زیبایی که از آن یاد می‌گیریم، عروس قرآن نامیده شده است!
- ۳) به سبب مفاهیم خوبی که از سوره الرحمن می‌آموزیم، این سوره را عروس قرآن نامیده است!
- ۴) سوره الرحمن عروس قرآن نامیده شده زیرا مفاهیمی که به ما یاد می‌دهد، زیبا هستند!

۲۴-۴. «مِنْ أَفْضَلِ أَعْمَالِ الْكَرِيمِ تَظَاهَرُهُ بِالْغَفْلَةِ عَنِ الْآخِرِينَ!»: (ترجمه، ترکیبی) (کنکور سراسری هنر ۹۳)

- ۱) بهترین کار یک انسان بخشنده تظاهر کردن به بی‌اطلاعی است در مورد خطاهای دیگران!
- ۲) از بهترین کارهای انسان کریم تظاهر کردن اوست به عدم اطلاع درباره اشتباهات دیگران!
- ۳) از برترین اعمال نیک اشخاص بخشنده این است که اشتباهات دیگران را نادیده بگیرند!
- ۴) برترین اعمال شخص کریم این است که در مورد خطاهای دیگران بی‌اطلاع جلوه کند!

۲۵-۵. «قَدْ تَمَّ مَ اللَّهُ نِعْمَتُهُ عَلَى بَعْضِ الْحَيَوَانَاتِ بِإِعْطَائِهَا قُدْرَةَ سَمْعٍ حَادَّةٍ تُسَاعِدُهَا فِي الطَّيْرَانِ!»: خداوند ...

(ترجمه، ترکیبی) (کنکور سراسری زبان ۸۵)

- ۱) نعمت خود را بر بعضی حیوانات با اعطای قدرت شنوایی قوی‌ای که آن‌ها را در پرواز کمک می‌کند، کامل کرده است!
- ۲) نعمت را بر برخی حیوانات کامل کرده است و آن به وسیله اعطای قدرت شنوایی قوی و کمک کردن به پرواز آن‌هاست!
- ۳) با بخشیدن قدرت شنوایی تیز به بعضی حیوانات نعمت را تمام کرده است و این نعمت آن‌ها را در پرواز کمک می‌کند!
- ۴) نعمت‌های خود را با بخشیدن قدرت شنوایی نیرومندی به برخی حیوانات و مساعدت آن‌ها در پرواز تمام کرده است!

۲۶-۶. «يَا عِبَادَ اللَّهِ! لَا تَحْزَنُوا فَإِنَّتُمْ فِي أَعْلَى دَرَجَةٍ إِنْ كُنْتُمْ مُحْسِنِينَ لَهُ!»: ای بندگان خدا ...

(ترجمه، ترکیبی) (کنکور سراسری تجربی ۸۷)

- ۱) غم مخورید، چه شما اگر دوستدار او باشید در برترین مرتبه هستید!
- ۲) غمگین مشوید در حالی که در بهترین مراتب هستید اگر دوستدار وی باشید!
- ۳) هرگز غم مخورید، چه شما اگر او را دوست بدارید در بالاترین درجات قرار می‌گیرید!
- ۴) هیچ‌گاه غمگین مشوید در حالی که در بالاترین مرتبه‌اید تا زمانی که دوستدار او هستید!

۲۷-۷. «كُنْتُ أَعْرِفُ كَاتِبًا قَدْ كَتَبَ أَكْثَرَ مَقَالَاتِهِ فِي صُحُفِ مَدِينَتِنَا!»: (ترجمه، ترکیبی) (کنکور سراسری ریاضی ۸۸)

- ۱) من نویسنده‌ای را شناختم که اکثر مقاله‌های او در روزنامه شهر ما به چاپ رسیده بود!
- ۲) نویسنده‌ای را می‌شناختم که بیش‌تر مقالات خود را در روزنامه‌های شهرمان نوشته بود!
- ۳) به نویسنده‌ای معرفی شدم که اکثر مقاله‌هایش در روزنامه شهرمان به چاپ رسیده است!
- ۴) با نویسنده‌ای آشنا شدم که بیش‌تر مقالات خویش را در روزنامه‌های شهری‌مان نوشت!

۲۸-۸. «يَجِبُ عَلَيَّ كَلْنَا أَنْ نَنْهَى أَوْلَادَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَنُعِينَهُمْ عَلَى الْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ!»:

(ترجمه، ترکیبی) (آزمون کانون - ۹۹)

- ۱) همه ما باید دوستانمان را از ظلم و ستم بازداریم و همه آنها را بر کار نیک یاری رسانیم!
- ۲) بر همگی ما لازم است دوستانمان را از بی‌عدالتی بازداریم و در کارهای نیک یاریش نماییم!
- ۳) همه ما باید دوستانمان را از ستم بازداریم و آنها را بر کارهای نیک یاری رسانیم!
- ۴) شایسته است بر همه ما، دوستانمان را از ظلم نهی نموده و به کارهای نیک تشویقشان کنیم!

۲۹-۹. عَيْنَ الصَّحِيحِ:

- ۱) كَانَ لِقَمَانٍ يُقَدِّمُ لِأَيِّهِ الْعَزِيزَ مَوَاعِظَ قِيَمَةٍ: لقمان به فرزند عزیز خود پند نیکو تقدیم می‌کرد.
- ۲) نَعْتَقِدُ بِأَنَّ الْإِعْجَابَ بِالنَّفْسِ عَمَلٌ غَيْرُ مَقْبُولٍ: اعتقاد داریم به این‌که خودپسندی کاری غیرقابل قبول است.
- ۳) عَلَيْكَ أَنْ لَا تَرْفَعِي صَوْتَكَ فَوْقَ صَوْتِ الْآخِرِينَ: تو صدایت را بالای صدای دیگران بالا نمی‌بری.
- ۴) عَلَيْنَا أَنْ نَتَوَاضَعَ لِأَمَامِ كُلِّ مَنْ حَوْلَنَا وَ أَمَامَ الْكِبَارِ: ما باید در برابر همه کسانی که اطرافمان هستند و در مقابل بزرگ‌ترها فروتنی کنیم.

۳۰- ۱۰. «أَرَادَ الْوَلَدُ الْأَكْبَرَ أَنْ يَسُبَّ الَّذِي كَانَ سَبَّ أَخَاهُ الْأَصْغَرَ وَ لَكِنْ أَبَاهُ لَمْ يَسْمَحْ لَهُ.» (ترجمه، ترکیبی) (آزمون کانون - ۹۸)

- ۱) پسر بزرگتر خواست که به برادر کوچک‌ترش دشنام دهد، اما پدرش به او اجازه نداد.
- ۲) فرزند بزرگتر می‌خواست به کسی که به برادر کوچک‌تر دشنام می‌داد، دشنام دهد، ولی پدرش اجازه نداد.
- ۳) پسر بزرگتر خواست به کسی که به برادر کوچک‌ترش ناسزا گفته بود، دشنام بدهد، ولی پدرش به او اجازه نداد.
- ۴) پسر بزرگ خواست که به کسی که به برادر کوچکش دشنام داده بود، ناسزا بگوید، اما پدر به او اجازه نمی‌داد.

۱۰
تست

پیمانه ۴



۳۱- ۱. عَيْنُ الْخَطَا: (ترجمه، ترکیبی) (آزمون کانون - ۹۸)

- ۱) «ما اشترينا ملابسنا الرجالية من ذلك المتجر لأن أسعاره كانت غالية جداً.» لباس‌های مردانه‌مان را از آن مغازه خریدیم، زیرا قیمت‌هایش واقعاً گران بود.
- ۲) «علينا أن نحافظ من حقائبنا في الأماكن المزدحمة.» ما باید از کیف‌هایمان در مکان‌های شلوغ محافظت کنیم.
- ۳) «تلك الشجرة أعلى شجرة في حديقة جدتي ولها أثمار كثيرة.» آن درخت بلندترین درخت در باغ مادربزرگم است و میوه‌های زیادی دارد.
- ۴) «أعطني سروالاً باللون الأخضر و قميصاً باللون الأزرق من فضلك!» لطفاً به من شلواری به رنگ آبی و بیراهنی به رنگ سبز بده!

۳۲- ۲. عَيْنُ الْخَطَا فِي التَّرْجَمَةِ: (مکمل حواره، صفحه ۱۰ کتاب درسی)

- ۱) اليوم ذهب إلى سوق طهران لأشتري سروالاً لأخي،: امروز به بازار تهران رفتم تا شلواری برای برادرم بخرم،
- ۲) فوصلت إلى متجر كنت أعرف صاحبه،: پس به مغازه‌ای رسیدم که صاحبش را می‌شناختم،
- ۳) و بعد مشاهدة سراويله إنتخبت أفضل نوعياته، و پس از دیدن شلووارهایش، جنس بهترش را انتخاب نمودم،
- ۴) ثم أعطيته بعد التخفيض ستين ألف تومان! سپس بعد از تخفیف، شصت هزار تومان به او دادم!

۳۳- ۳. عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ: (مشابه اختبر نفسك، صفحه‌های ۸ و ۹ کتاب درسی)

- ۱) «و جادلهم بالتي هي أحسن»: و با آنان به روشی ستیز کرد که نیکوتر است!
 - ۲) «خير إخوانكم من أهدى إليكم غيوبكم!» بهترین برادرانتان کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کند!
 - ۳) «من غلبت شهوته عقله فهو شر من الهائم»: آن‌که شهوتش بر خردش غلبه کند، از بدترین چارپایان است!
 - ۴) «ربنا آمنا فأغفر لنا و ارحمنا»: پروردگارا ایمان می‌آوریم، پس برایمان بیامرز و بر ما رحم بفرما!
- ۳۴- ۴. «إن الفخور يمشي مرحاً و هذا نموذجُ تربوي لمن يتعلم الأدب ممن لبس له أدب!» (مشابه متن صفحه ۲ کتاب درسی) (کنکور سراسری اتسانی ۹۹)

- ۱) فخر فروش راه رفتنی متکبرانه دارد ولی برای آن‌که ادب را از بی‌ادبان می‌آموزد نمونه‌ای تربیتی است!
- ۲) فخر فروش خودخواهانه راه می‌رود و این الگویی تربیتی است برای کسی که ادب را از کسی می‌آموزد که ادب ندارد!
- ۳) فخر فروش نوع راه رفتنش خودخواهانه است ولی برای آن‌که ادب را از کسی که ادب ندارد یاد می‌گیرد، یک نمونه تربیتی است!
- ۴) فخر فروش چون متکبران راه می‌رود و این نمونه تربیتی برای کسی است که ادب را از کسی که در او ادب نیست آموخته است!

۳۵- ۵. عَيْنُ الْخَطَا فِي تَرْجَمَةِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ: (ترجمه، ترکیبی)

- ۱) الحمار حيوان يستخدم للحمل و الركوب! انسان از خر برای حمل و سواری استفاده می‌کند!
- ۲) قدمت جدتي لنا مواعظ قيمة! مادربزرگم نصیحت‌های ارزشمندی به ما تقدیم کرد!
- ۳) لا تعمر الحكمة في قلب المتكبر الجبار! حکمت در قلب انسان متکبر ستمکار عمر نمی‌کند!
- ۴) قرب منزلنا مصنع تصنع فيه الحقائق! نزدیک خانه‌مان کارخانه‌ای است که در آن کیف‌ها ساخته می‌شود!

۳۶- ۶. عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

(ترجمه، ترکیبی)

- ۱) فِي مَكْتَبِنَا الْإِسْلَامِيِّ حُرْمَ الْإِسْتِهْزَاءِ بِالْآخِرِينَ! در مکتب اسلامی ما مسخره کردن دیگران حرام شده است!
- ۲) مَا أُحْمَلُ تَسْمِيَةَ النَّاسِ بِالْأَسْمَاءِ الْحَسَنَةِ! نام دادن به مردم با نام‌های نیکو زیباتر است!
- ۳) الْغَيْبَةُ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ! غیبت عامل مهمی برای قطع ارتباط میان مردم است!
- ۴) تَنْصَحُنَا آيَةٌ مِنْ آيَاتِ سُورَةِ الْحُجُرَاتِ: لَا تَعْيَبُوا الْآخِرِينَ! یکی از آیات سوره حجرات ما را نصیحت می‌کرد: از دیگران عیب نگیرید!

۳۷- ۷. عَيْنِ الْخَطَأِ فِي التَّرْجَمَةِ:

(ترجمه، ترکیبی) (کنکور سراسری زبان ۸۹)

- ۱) الظُّلْمُ عَلَى الضَّعِيفِ أَقْبَحُ الظُّلْمِ، وَ هَذَا الْعَمَلُ مَذْمُومٌ! ظلم بر ضعیف، زشت‌ترین ظلم است و این کار ناپسند است!
- ۲) الزَّاهِدُونَ يَجْتَنِبُونَ الْخَطِيئَاتِ، وَ هَؤُلَاءِ مَحْبُوبُونَ عِنْدَ اللَّهِ! زاهدان از خطاها دوری می‌کنند، و این‌ها پیش خدا محبوبند!
- ۳) النَّاسُ يُذْنِبُونَ وَ قَلِيلٌ مِنْ هَؤُلَاءِ الْمُذْنِبِينَ يَتُوبُونَ! مردم گناه می‌کنند و عده کمی از این‌ها گناه‌کارانی هستند که توبه می‌کنند!
- ۴) يَعْبُدُ الْعَابِدُونَ اللَّهَ فِي اللَّيْلِ الْمُظْلَمِ وَ هَذَا اللَّيْلُ كَثُرَ لَهُمْ! عابدان خدا را در شب تاریک عبادت می‌کنند و این شب مانند پوششی برای آن‌هاست!

۳۸- ۸. عَيْنِ الْخَطَأِ فِي التَّرْجَمَةِ:

(ترجمه، ترکیبی) (مشابه سراسری زبان ۹۲)

- ۱) مَنْ يَسْتَطِيعُ مِنْ بَيْنِنَا أَنْ يَفْهَمَ النَّصُوصَ الْأَدْبِيَّةَ! چه کسی از بین ما می‌تواند متون ادبی را بفهمد!
- ۲) كَانَ رَأْيُهُ صَاحِحاً وَ الْآخَرُونَ يَقْبَلُونَ رَأْيَهُ! نظرش درست بود و دیگران نظر او را می‌پذیرفتند!
- ۳) يَشْتَرِي النَّاسُ أَشْيَاءَ أَكْثَرَ مِمَّا هُمْ بِحَاجَةٍ إِلَيْهِ! مردم بیش‌تر کالاها را به خاطر نیازشان خریداری می‌کنند!
- ۴) عَزَمْتُ عَلَى أَنْ أَسَاعِدَهُ لِأَنِّي لَا أَشَاهِدُ تَقَدُّمًا فِي عَمَلِهِ! تصمیم گرفتم به او کمک کنم زیرا در کارش پیشرفتی نمی‌بینم!

۳۹- ۹. «خداوند آرامش را بر دل‌های پیامبران و مؤمنان نازل می‌کند.»:

(مشابه التمرین السادس، صفحة ۱۴ کتاب درسی) (آزمون کانون - ۹۹)

- ۱) أَنْزَلَ اللَّهُ السَّكِينَةَ عَلَى قُلُوبِ النَّبِيِّينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ. (۲) يُنَزِّلُ رَبُّنَا سَكِينَةً عَلَى قُلُوبِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُؤْمِنِينَ.
 - ۳) يُنَزِّلُ اللَّهُ السَّكِينَةَ عَلَى قُلُوبِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُؤْمِنَاتِ. (۴) أَنْزَلَ رَبُّنَا سَكِينَةً عَلَى قُلُوبِ النَّبِيِّينَ وَ الْمُؤْمِنِينَ.
- ۴۰- ۱۰. «فرزندانمان علوم و هنرهای مفید را یاد می‌گرفتند و از فرومایگان دوری می‌کردند!»:

(تعریب، ترکیبی) (آزمون کانون - ۹۸)

- ۱) الْأَوْلَادُ كَانُوا يَتَعَلَّمُونَ الْعُلُومَ وَ الْفُنُونَ النَّافِعَةَ وَ يَتَبَعَدُونَ عَنِ الرَّذَائِلِ!
- ۲) كَانُوا أَوْلَادُنَا تَعَلَّمُوا الْعُلُومَ وَ الْفُنُونَ الْمُفِيدَةَ وَ ابْتَعَدُوا عَنِ الرَّذَائِلِ!
- ۳) أَوْلَادُنَا كَانُوا يَتَعَلَّمُونَ الْعُلُومَ وَ الْفُنُونَ النَّافِعَةَ وَ يَتَبَعَدُونَ عَنِ الْأَرَاذِلِ!
- ۴) كَانُوا أَوْلَادُنَا تَعَلَّمُوا الْعُلُومَ وَ الْفُنُونَ الْمُفِيدَةَ وَ ابْتَعَدُوا عَنِ الْأَرَاذِلِ!

بیمانه ۵

تست ۱۰

(مفهوم، ترکیبی)

۴۱- ۱. عَيْنِ مَا لَا يَنَاسِبُ هَذَا الْبَيْتِ:

«تا توانی ای برادر خلق نیکو پیشه کن / خلق نیکو مار را از لانه‌اش آرد به در!»

- ۱) حُسْنُ الْخَلْقِ نِصْفُ الدِّينِ!
- ۲) لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخَلْقِ الْحَسَنِ!
- ۳) «رَبَّنَا أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ»
- ۴) «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ!»

۴۲- ۲. مِيزُ الْخَطَأِ فِي الْمَفَاهِيمِ:

(برگرفته از متن صفحه‌های ۲ و ۳ کتاب درسی) (آزمون کانون - ۹۸)

- ۱) ﴿وَ أَوْقَصِدْ فِي مَشِيكَ﴾: ستوده کسی کو میانه گزید!
- ۲) ﴿وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ﴾: سخن گوی آرام، بانگی مدار!
- ۳) ﴿وَ لَا تَمَشْ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا﴾: پایت را از گلیمت درازتر نکن!
- ۴) ﴿وَ اصْبِرْ عَلَيَّ مَا أَصَابَكَ﴾: بهر درد بینوایی صبر تسکین است و بس!

۴۳- ۳. «قَدْ يَضُرُّ الشَّيْءَ تَرْجُو نَفْعَهُ!»؛ عَيِّنِ الْمُنَاسِبَ لِلْمَفْهُومِ:

- (۱) «عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ»
(۲) «عَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ»

۴۴- ۴. عَيِّنِ مَا يَخْتَلِفُ عَنِ الْبَاقِي فِي الْمَفْهُومِ:

- (۱) مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ!
(۲) الْمُؤْمِنُ بُشْرُهُ فِي وَجْهِهِ وَحَزْنُهُ فِي قَلْبِهِ!

۴۵- ۵. عَيِّنِ غَيْرَ الْمُنَاسِبِ فِي الْمَفْهُومِ:

- (۱) شَرُّ النَّاسِ ذَوِ الْوَجْهِينِ!؛ عَلَى الْإِنْسَانِ أَنْ يَكُونَ ظَاهِرُهُ وَبَاطِنُهُ وَاحِدَةً!
(۲) تَفَكَّرْ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً!؛ «عِبَادُ الرَّحْمَنِ هُمُ الَّذِينَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَيْلًا وَنَهَارًا»
(۳) السَّكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَّةٌ!؛ الْعَاقِلُ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَكَلَّمَ بِكَلَامٍ يُدْبِرُهُ!
(۴) خَيْرُ النَّاسِ مَنْ يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ!؛ عَلَيْكُمْ بِالْأَمَانَةِ لِأَنَّهَا تَجْلِبُ الرِّزْقَ لَكُمْ!

۴۶- ۶. عَيِّنِ مَا يُخَالِفُ مَفْهُومَ هَذِهِ الْعِبَارَةِ: «خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ غُيُوبَكُمْ!» (مكمل اختبار نفسك، صفحة ۸ كتاب درسي)

- (۱) بَعْضَ الْأَوْقَاتِ يَنْسَى الْإِنْسَانُ غُيُوبَهُ!
(۲) الْاَلَّذِي يَسْتَرُ غُيُوبِي فَهُوَ مِنْ خَيْرِ أَصْدِقَائِي!
(۳) خَيْرُ الْأَصْدِقَاءِ مَنْ يَذْكُرُ غُيُوبِي!
(۴) عَلَى الصَّدِيقِ أَنْ لَا يَغْتَابَ صَدِيقَهُ أَبَدًا!

۴۷- ۷. عَيِّنِ الْخَطَأَ فِي تَرْجُمَةِ مَا تَحْتَهُ خَطُّ:

- (۱) اِنْكَسَرَتِ الرَّجَاةُ: شَكْسْتِي
(۲) اِنْنَمَا بُعِثْتُ مُعَلِّمًا: فَرَسْتَادَهُ شَدَمُ
(۳) عَلَيْنَا الْاِهْتِمَامُ بِالرِّيَاةِ: وَرَزْش
(۴) لَيْسَ شَيْءٌ اَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ: تَرَاوُ

۴۸- ۸. عَيِّنِ الْخَطَأَ فِي الْمُتَضَادِّ أَوْ الْمُرَادِفِ لِلْكَلِمَاتِ:

- (۱) مُخْتَالٌ = مُعْجَبٌ بِنَفْسِهِ
(۲) الْمُتَوَاضِعُ ≠ الْفَخُورُ
(۳) الْأَرَادِلُ ≠ الْأَفَاضِلُ
(۴) أَنْكَرُ ≠ أَقْبَحُ

۴۹- ۹. أَيُّ كَلِمَةٍ لَا تَنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ؟

- (۱) عَمَلٌ لَيْسَ جَمِيلًا! ← الْقَبِيحُ
(۲) مَكَانٌ لِلرِّيَاةِ أَوْ الْمُسَابَقَةِ! ← الْمَلْعَبُ
(۳) مَنْ اِهْتَدَى! ← الْمُهْتَدِي
(۴) مَنْ يَتَعَلَّمُ! ← الْمُعَلِّمُ

۵۰- ۱۰. عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاغِ: «السَّبْعُونَ... السِّتِينَ.»

- (۱) لَيْسَ أَكْثَرَ مِنْ (۲) لَيْسَ بَعْدَ (۳) أَقَلُّ مِنْ (۴) أَكْثَرَ مِنْ

پيمانه ۶

۵۱- ۱. عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاغِ: «... مَجَالِسَةُ هَذَا الصَّدِيقِ الْمُجْتَهِدِ إِلَى نَجَاحٍ فِي أَعْمَالِنَا أَكْثَرَ مِنْ قَبْلِ!» (مفهوم، تركيبي) (کنکور خراج از کشور ۱۴۰۰)

- (۱) اقتربتنا (۲) تقربتنا (۳) قربتنا (۴) قربت منا

۵۲- ۲. عَيِّنِ كَلِمَةً مَنَاسِبَةً فِي الْفَرَاغِ: «هَذِهِ الْأَسْعَارُ لِلْقَمِيصِ الرَّجَالِيِّ غَالِيَةٌ، هَلْ لَكُمْ ... مِنْ هَذَا؟!»

(صفحة ۱۰ كتاب درسي) (آزمون كانون - ۹۹)

- (۱) رَخِيصٌ (۲) أَرْخَصُ (۳) سَرَاوِيلٌ أَفْضَلُ (۴) فَسْتَانٌ

(مکمل متن درس، صفحه ۲ کتاب درسی)

۵۳- ۳. عَيْنَ الْخَطَا لِلْفِرَاغِ:

- «إِنَّ الآبَاءَ وَالْأُمَّهَاتِ يَرشُدُونَ أَبْنَاءَهُمْ دَائِمًا إِلَى الصِّفَاتِ الطَّيِّبَةِ وَالْأَعْمَالِ الْحَسَنَةِ ك...!»
 (۱) التَّكْبِيرُ أَمَامَ الْجَبْرَانَ
 (۲) تَعَلَّمَ الْفَنُونَ النَّافِعَةَ
 (۳) الْإِتِّعَادُ عَنِ الْأَرَاذِلِ
 (۴) الْإِهْتِمَامُ بِالرِّيَاضَةِ

(مکمل التمرین الخامس، صفحه ۱۳ کتاب درسی) (آزمون کانون - ۹۸)

۵۴- ۴. عَيْنَ الْخَطَا عَنِ الْكَلِمَاتِ الْمَعِينَةِ:

- (۱) «لَا تَقْرَبُوا هَذِهِ الشَّجَرَةَ!»: المضارع للنهي (نزدیک نشوید)
 (۲) التَّفَكُّرُ فِي هَذِهِ الْمَسْأَلَةِ حَسَنٌ: المصدر من باب «تَفَعَّلَ» (اندیشیدن)
 (۳) اسْتَغْفِرُوا لِذُنُوبِكُمْ!: الماضي (طلب آمرزش کردند)
 (۴) سَيُستَخدَمُ هَذَا الْحَيَوَانُ لِلْحَمَلِ!: المستقبل (به‌کار گرفته خواهد شد)

(مفهوم، ترکیبی) (آزمون کانون - ۹۸)

۵۵- ۵. ما هو الخطأ في المعنى؟

- (۱) إِنَّا ... هَدِيَّةٌ لِمِیلِنَا الْفَائِزِ فِي الْمَسَابِقَةِ. (أَهْدِينَا)
 (۲) وَالِدِي ... فِي مَوْسَمَةِ تَرْبِوِيَّةٍ ثَقَافِيَّةٍ. (يَسْتَعْمِلُ)
 (۳) اشْتَرَيْتُ هَذِهِ ... وَالْفَسَاتِينَ بِأَسْعَارٍ رَخِيصَةٍ مِنَ الْمَتَجَرِ. (الْمَوَاقِفِ)
 (۴) ... تَعْمَلُ فِي الْمَسْتَشْفَى وَالْمَسْتَوْصَفِ. (الْمَرْمُضَةِ)

(مفهوم، ترکیبی)

۵۶- ۶. عَيْنَ مَا يَنَاسِبُ هَذَا الْبَيْتِ فِي الْمَفْهُومِ:

- «مسلمانی زن‌ها با حجاب است / حیا دین است و دین زن حجاب است!»
 (۱) إِنَّ الْحَيَاءَ زِينَةُ الْإِسْلَامِ!
 (۲) أَحَبَّ عِبَادَ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعَهُمْ لِعِبَادِهِ!
 (۳) اللَّهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خَلْقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي!
 (۴) الْحَيَاءُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي النِّسَاءِ أَحْسَنُ!
 ۵۷- ۷. عَيْنَ الصَّحِيحِ لِلْفِرَاغِ حَسَبَ الْمَعْنَى: «لَأُمِّي أَسْلُوبٌ خَاصٌّ لَطِيخٌ ... بِسُرْعَةٍ!»

(مفهوم، ترکیبی)

- (۱) الْإِثْمُ (۲) الْأَزْهَارُ (۳) الْحَلُوبِيَّاتُ (۴) الْفِضَّةُ

(مکمل متن، صفحه ۲ کتاب درسی)

۵۸- ۸. عَيْنَ آيَةٍ لَيْسَتْ نَمُودَجًا تَرْبِوِيًّا لِهَدَايَةِ الشَّبَابِ:

- (۱) «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ»
 (۲) «وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَ لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا»
 (۳) «وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ»
 (۴) «وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ»

(تعريب، ترکیبی) (آزمون کانون ۹۷)

۵۹- ۹. «پدرم همیشه خواهرم را به یادگیری هنرهای سودمند راهنمایی کرده است.»:

- (۱) أَبِي قَدْ أَرشَدَ دَائِمًا أُخْتِي إِلَى تَعْلِيمِ الْفَنُونِ النَّافِعَةِ. (۲) وَالِدِي يَرشُدُ أُخْتَهُ إِلَى تَعْلَمِ الْفَنِّ النَّافِعِ.
 (۳) قَدْ أَرشَدَ وَالِدِي أُخْتِي إِلَى تَعْلَمِ الْفَنُونِ النَّافِعَةِ دَائِمًا. (۴) أَبِي أَرشَدَتْ دَائِمًا أُخْتِي إِلَى تَعْلِيمِ الْفَنِّ النَّافِعِ.
 ۶۰- ۱۰. عَيْنَ الصَّحِيحِ لِلتَّرْجُمَةِ الْفَعْلِينَ فِي حَدِيثِ «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»:

(لغت، ترکیبی) (کنکور سراسری هنر ۹۸)

- (۱) فَرَسْتَادَهُ شَدْمٌ - تَا كَامِلُ كَنَمِ
 (۲) بَرَانْگِيخْتِ - تَا كَامِلُ شُودِ
 (۳) بَرَانْگِيخْتَمِ - تَا كَامِلُ شُومِ
 (۴) فَرَسْتَادِ - تَا كَامِلُ گَرْدِ

۱۰
تست

بیمانه ۷

(کنکور سراسری هنر ۹۸ با تغییر)

۶۱- ۱. عَيْنَ الْخَطَا عَنِ مُتْرَادِفِ أَوْ مُتْرَادِفِ الْكَلِمَاتِ:

- (۱) احترام = تَبْجِيلُ (۲) فخور ≠ متواضع (۳) قَرُبٌ = بَعْدُ (۴) وُدٌّ = حُبٌّ

(آزمون کانون - ۹۸)

۶۲- ۲. عَيْنَ الصَّحِيحِ لِلْفِرَاغِينَ:

- «... النَّاسُ مَن جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ وَ ... هُم مَن لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ!»
 (۱) أَنْكَرَ - أَحَبَّ (۲) أَعْلَمَ - أَحَبَّ (۳) أَنْكَرَ - شَرَّ (۴) أَعْلَمَ - شَرَّ

(متن درس و لغات صفحه‌های ۲ و ۳ کتاب درسی) (آزمون کانون - ۹۸)

۶۳- ۳. عَيْنُ الْخَطَا لِمَا تَحْتَهُ خَطٌّ:

- (۱) أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي أُمَّةٍ رَسُولُ اللَّهِ هُوَ أَنْتَظِرُ الْفَرْجَ! (= خير)
- (۲) ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾ (= معجب بنفسه)
- (۳) الْيَوْمَ أَرْشَدْنَا الْمَدْرَسَ إِلَى الْإِبْتِعَادِ عَنِ الْأَرَاذِلِ! (= اقتراب)
- (۴) عَلَيْنَا أَنْ نَكُونَ نَهَاةً عَنِ الْأَعْمَالِ السَّيِّئَةِ! (= معروف)

(لغت، ترکیبی)

۶۴- ۴. عَيْنُ الْخَطَا فِي الْمُرَادِفِ وَالْمُتَضَادِّ:

- (۱) يُحِبُّ = يَكْرَهُ (۲) إِثْمٌ = ذَنْبٌ (۳) مَيِّتٌ ≠ حَيٌّ (۴) نَاهِي ≠ أَمْرٌ

۶۵- ۵. عَيْنُ الصَّحِيحِ لِأَعْضَاءِ جِسْمِ الْإِنْسَانِ: «يَسْتَرُ جِسْمَ الْإِنْسَانِ بِكَامِلٍ / عَضْوِ الشَّمِّ / لِلْأَكْلِ / عَضْوِ تَحْتِ الْعَيْنِ»

(ترکیبی) (آزمون کانون - ۹۸)

- (۱) جلد، أنف، سین، خَدَّ (۲) جلد، أنف، سین، وَجْه
(۳) قِشْر، أنف، لسان، خَدَّ (۴) قِشْر، لسان، سین، أنف

(مرتبط با حوار صفحه ۱۰ کتاب درسی) (آزمون کانون - ۹۸)

۶۶- ۶. ما هو الجواب المناسب لهذا السؤال؟

«كَمْ سِعْرُ هَذَا الْقَمِيصِ الرَّجَالِيِّ؟»

- (۱) هذا القميص الرجالي أزرق.
(۲) قيمته ثمانون ألف تومان.
(۳) هذا القميص الرجالي لزميلي.
(۴) هذا السروال الرجالي في المتجر.

(مکمل حوار، صفحه ۱۰ کتاب درسی)

۶۷- ۷. عَيْنُ الْخَطَا فِي الْهِوَارِ:

- (۱) كم سعر هذا السروال؟ / أريد سروالاً أفضل من هذا!
(۲) كم صار المبلغ؟ / صار المبلغ مئة و عشرين ألف تومان!
(۳) أي الألوان عندكم؟ / أحمر و أصفر و أبيض!
(۴) كم فستاناً عندكم؟ / عندنا فساتين كثيرة يا سيدتي!

(مکمل حوار، صفحه ۱۰ کتاب درسی)

۶۸- ۸. عَيْنُ جَوَابِ السُّؤَالِ الْمُنَاسِبِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ: «لِمَاذَا اشْتَرَيْتَ الْقَمِيصَ مِنْ هَذَا الْمَتَجَرِّ؟»

- (۱) لِسِعْرِهِ الْغَالِي! (۲) لِعَدَمِ تَخْفِيزِ مَبْلَغِهِ!
(۳) بِسَبَبِ سِعْرِهِ الرَّخِيسِ! (۴) لِأَنَّهُ لَيْسَتْ نَوْعِيَّتُهُ أَفْضَلَ!

(لغت، ترکیبی) (آزمون کانون - ۱۴۰۱)

۶۹- ۹. عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ مِنَ التَّضَادِّ:

- (۱) يَقُولُ سَعْدِيُّ الشِّيرَازِيِّ: أَحَبَّتِي هَجَرُونِي كَمَا تَشَاءُ عُدَاتِي!
(۲) إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْأَحْمَقِ فَإِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيَضُرُّكَ!
(۳) يَرَى حَافِظٌ فِي بُعْدِ الْحَبِيبِ عَذَاباً وَ فِي قُرْبِهِ السَّلَامَةَ!
(۴) الصَّدِيقُ الصَّدُوقُ مَنْ نَصَحَكَ فِي عَيْبِكَ وَ حَفِظَكَ فِي غَيْبِكَ!

(مکمل حوار، صفحه ۱۰ کتاب درسی) (آزمون کانون - ۹۷)

۷۰- ۱۰. عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي السُّؤَالِ وَ الْجَوَابِ:

- (۱) كَمْ سِعْرُ هَذِهِ الْمَنْضَدَةِ الْخَشَبِيَّةِ؟ - بَعْدَ التَّخْفِيزِ خَمْسُونَ أَلْفَ تُوْمَانٍ.
(۲) أَيُّ لَوْنٍ عِنْدَكَ؟ - عِنْدَكَ أَبْيَضٌ وَ أَسْوَدٌ فَقَطْ.
(۳) بِكَمْ تُوْمَانٍ هَذِهِ الْمَلَابِسُ؟ - ذَلِكَ مَتَجَرٌّ زَمِيلِي. لَهُ سِرَاوِيلٌ أَفْضَلُ.
(۴) كَمْ صَارَ مَبْلَغُ الْعِبَاءِ؟ - تَخْتَلِفُ أَسْعَارُ الْفَسَاتِينِ حَسَبَ النُّوعِيَّاتِ.



بیمانہ ۸

تست ۱۰

قواعد

۷۱- ۱. عین الخطأ عما أشير إليه بخط: «ليس شيء أثقل في الميزان من الخلق الحسن»:

(مرتب با التمرين الثالث صفحة ۱۲ كتاب درسی) (آزمون کانون - ۹۸)

- (۱) أثقل: اسم التفضيل، مفرد مذكر
(۲) الميزان: اسم المكان
(۳) الخلق: مجرور بحرف الجر
(۴) الحسن: صفة و مجرورة بالتبعية

(قواعد صفحه‌های ۵ و ۶ كتاب درسی) (کنکور سراسری ریاضی ۱۴۰۰)

- ۷۲- ۲. عین ما فيه «اسم التفضيل» أكثر:
(۱) أعوذ من الشرور بأحسن الخالقين!
(۲) أشرف الناس من يكون رؤوفاً للأسرة!
(۳) أحب أوسط الأمور لأنها خير الأعمال!
(۴) أفضلکم من هو ألين و ألطف للآخرين!

(قواعد صفحه‌های ۵ و ۶ كتاب درسی) (کنکور سراسری ۱۴۰۲)

- ۷۳- ۳. عین ما ليس فيه اسم التفضيل:
(۱) أعزُّ الشَّبَاب هو من يُؤدِّي دَوْرَه في المجتمع أداءً جيِّداً!
(۲) أحقُّ الكلام كلامٌ يقوله قائله في وقته، لا نقص فيه و لا زيادة!
(۳) أحرُّ أيام السنَّة يُخرج النَّاسَ من بُيوتهم للذهاب إلى الحدائق!
(۴) أمرٌ بالسُّوق المزدهمة و النَّاسَ يبيعون و يشترون البضائع!

(قواعد، ترکیبی) (کنکور خارج از کشور ۱۴۰۰)

- ۷۴- ۴. عین ما فيه «نون الوقاية» أكثر:
(۱) لا تظنِّي أنَّك تظلميني و تضريني و لاتشاهدين عاقبة عملك!
(۲) يسألونني عن مهني المختلفة و شرحت لهم خسراتي في بعضها!
(۳) أتمنى أن يوصلني أبي إلى مدرستي و يستودعني الله كلَّ صباح!
(۴) شجعتني و نصحتني معلّمی بتنظيم البرنامج و ساعدني في إجرائه!

(مرتب با قواعد صفحه‌های ۵ و ۶ كتاب درسی) (کنکور سراسری انسانی ۹۹)

- ۷۵- ۵. عین ما فيه اسم تفضيل:
(۱) لنبتعد عن الأعمال التي تجعل الأراذل يحكمون علينا!
(۲) أحبُّ صديقي الذي يفكر في أعماله و أساليبه دائماً!
(۳) كتب التلميذ واجباته متأخراً فما أرضى معلّمه عنه!
(۴) أسخط الصِّبُورُ الشَّيْطَانَ بحلمه أمام المشاكل!

(قواعد، ترکیبی) (آزمون کانون - ۱۴۰۱)

- ۷۶- ۶. عین اسم التفضيل ليس خبراً:
(۱) شهداؤنا خير الناس إيماناً و عملاً!
(۲) جبل دماوند أعلى جبل في إيران!
(۳) هذا الفستان أجمل من ذلك الفستان!
(۴) كسب الحلال من أفضل الأعمال!

(مرتب با قواعد صفحه‌های ۵ و ۶ كتاب درسی) (کنکور سراسری انسانی ۹۹)

- ۷۷- ۷. عین ما ليس فيه اسم التفضيل:
(۱) أبقى الأعمال عند الله عملٌ ينفع الناس!
(۲) ذلك المعلم أقوى المعلمين في مدينتنا!
(۳) كان رسول الله خير الناس خلقاً!
(۴) أحبُّ أخي الصَّغير كرهة القدم في طفولتيه.

(مرتب با قواعد صفحه‌های ۵ و ۶ كتاب درسی) (کنکور سراسری انسانی ۹۹)

- ۷۸- ۸. عین الخطأ حول ما أشير إليه بخط:
(۱) تخرّجت من أكبر المكاتب في البلاد! اسم المكان
(۲) إنَّ الله أوجد الشمس محرقةً! اسم التفضيل
(۳) وجدنا سراويل أفضل في متجر صديقي! اسم المكان
(۴) إطاعة الله أعظم العبادات للإنسان! اسم التفضيل

۷۹-۹. عین ما فيه اسم التفضيل:

- (۱) لا خير لنا في مُصاحبة الإنسان الكذاب!
(۲) ما تُقدّموا لأنفسكم من خيرٍ تجدوه عند الله!
(۳) جَهز نفسك لِشَرِّ الأشياءِ و عليك أن تَرجو خيرها!
(۴) جعل الله في كلِّ نعمةٍ خيراً إن لم تُبدّلها إلى شرٍّ!

(قواعد صفحه‌های ۵ و ۶ کتاب درسی)

- ۸۰-۱۰. عین کلمة «خير» لا تكون اسم التفضيل:
(۱) من يعمل الخير يُشاهد ثمرته مُشاهدة!
(۲) أعمالک خيرٌ مني لأن أمک راضية عنک!
(۳) اعلم يا بني! خيرُ الأمور أوسطها!
(۴) هو خير من رأيتَه في حياتي!

تست ۱۰

پیمانه ۹



(قواعد صفحه‌های ۵ و ۶ کتاب درسی)

۸۱-۱. عین الخطأ:

- (۱) أراذل: اسم التفضيل
(۲) أفاضل: اسم التفضيل
(۳) مطاعم: اسم المكان
(۴) كبائر: اسم التفضيل

(قواعد صفحه‌های ۵ و ۶ کتاب درسی)

۸۲-۲. عین اسم التفضيل:

- (۱) ما أجمل غابات مازندران و أشجارها!
(۲) أعلم أن الأسعار غالية في هذا السوق!
(۳) ناديتُ الذي هو أرحم الراحمين!
(۴) إن الشاعر أنشد أشعاراً يُحِبُّها الجميع!

(مرتبط با قواعد صفحه ۹ کتاب درسی) (کنکور سراسری معارف ۹۸)

۸۳-۳. عین ما يدل على المكان:

- (۱) هو من مُقاتلينا!
(۲) يمشون في مساكنهم!
(۳) هو من مفاخر أمتنا!
(۴) مصالح الأمة نحفظها!

(مرتبط با قواعد صفحه ۹ کتاب درسی) (کنکور سراسری هنر ۹۸)

۸۴-۴. عین ما ليس فيه اسم مكان:

- (۱) مكتبة - مدارس (۲) ملعب - مفاتيح (۳) مطبعة - مطاعم (۴) موقف - مصلح

(مرتبط با قواعد صفحه‌های ۴ تا ۶ کتاب درسی) (کنکور سراسری انسانی ۹۸)

۸۵-۵. عین الخطأ (في التفضيل):

- (۱) لا شك أن لغة القرآن أبلغ من جميع اللغات الأخرى!
(۲) إن أختي الصغرى هي التلميذة الكبرى في الصف!
(۳) معلّمونا في المدرسة من أفاضل معلّمي البلاد!
(۴) هذه التلميذة صغرى من زميلاتِها في الصف!

(قواعد، ترکیبی)

۸۶-۶. عین اسم التفضيل ليس خيراً:

- (۱) جبل دماوند أعلى جبال ایران!
(۲) تفكر ساعة خير من عبادة سبعين سنة!
(۳) عداوة العاقل خير من صداقة الجاهل!
(۴) الغيبة من أهم أسباب قطع التواصل بين الناس!

(مرتبط با قواعد صفحه‌های ۵، ۶ و ۹ کتاب درسی)

۸۷-۷. عین العبارة التي جاء فيها اسم التفضيل و اسم المكان معاً:

- (۱) الليلة الماضية أكثر الناس جاؤوا إلى الشارع!
(۲) شاهدتُ أعزَّ أصدقائي في الموقف و تكلمنا ساعة!
(۳) مدرسُ اللغة العربية أرشدنا في المدرسة!
(۴) قد جعل الله في القرآن خيراً كثيراً!

(قواعد، ترکیبی)

۸۸-۸. عین الخطأ عن نوعية كلمة «خير» أو «شر»:

- (۱) كُنّا خير أُمَّةٍ حصولاً على الأهداف! (اسم التفضيل)
(۲) إن تعتمد على الله تُشاهد خيره في الحياة! (مصدر)
(۳) «من غلبت شهوته عقله فهو شرٌّ من البهائم» (اسم التفضيل)
(۴) من يستهزئ بالأصدقاء فهو شرُّ المخلوقات جداً! (مصدر)

۸۹-۹. عین ما فيه اسم المكان:

- (۱) أ تحب أن تمشيني في هذا المطر دون أي مظلة!
(۲) علينا أن لا نسرع إلى مآذبة لسننا مدعوين فيها!
(۳) تغلق المتاجر كلها بسبب شيوخ الأمراض!
(۴) لا تجرب المجرب فتندم و يزول وقتك القيم!

۹۰-۱۰. عین الصّحیح عن المحلّ الإعرابیّ للكلمات التي تحتها خطّ: « أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ! »

(مشابه اختبار نفسک، صفحه ۷ کتاب درسی)

- (۱) أَعْلَمُ: فعل، و الجملة فعلية
(۲) النَّاسِ: فاعل
(۳) عِلْمٍ: مفعول
(۴) مَنْ: مضاف إليه

۱۰
تست

پیمانہ ۱۰

(مرتب با قواعد صفحه‌های ۵ و ۶ کتاب درسی) (آزمون کانون - ۹۸)

- (۱) هذا المصنع أفضل للعمال.
(۲) أحبُّ مجلس تفسیر القرآن كثيراً.
(۳) إنَّ الأفاضل في المساجد يشجعون.
(۴) خير الناس من يعبد الله في المعبد بالتفكر.

(قواعد، ترکیبی) (آزمون کانون - ۹۸)

۹۲-۲. عین الخطأ في صيغ الأفعال:

- (۱) المؤمنات لا يسخرن من الآخرين في المجتمع.
(۲) الإخوان سمعا صوتاً من بعيد.
(۳) يا صديقتي، ارحمي على المساكين لأن الله يرحمك في الشدائد!
(۴) إن الحسد يأكل الحسنات كالنار.

(قواعد، ترکیبی) (آزمون کانون - ۹۸)

۹۳-۳. عین الصّحیح ممّا بين القوسين:

- (۱) إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ. (فعلان مجهولان)
(۲) اللَّهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خَلْقِي فَحَسِّنْ خُلُقِي. (فعلان مزيدان من باب تفعيل)
(۳) ليس شيء أثقل في الميزان من الخلق الحسن. (اسم التفضيل و اسم المكان)
(۴) من ساء خلقه عذب نفسه. (كلمتان في المحل الإعرابي للفاعل)

(قواعد، ترکیبی) (آزمون کانون - ۹۸)

۹۴-۴. عین اسم التفضيل ليس خبراً:

- (۱) عداوة العاقل خير من صداقة الجاهل.
(۲) أحبُّ عباد الله إلى الله أنفعهم لعباده.
(۳) هذه السراويل أرخص من ذلك السروال.
(۴) ذلك متجر زميلي، له سراويل أفضل.

(قواعد، ترکیبی) (آزمون کانون - ۹۸)

۹۵-۵. عین اسم المكان مفعولاً:

- (۱) بنى المسجد في هذه القرية.
(۲) أعرِف مكتبة كبيرة فيها كتب قيمة.
(۳) احترق في السوق متجر صديقي.
(۴) هم يذهبون إلى الملاعب لمشاهدة المسابقات.

(قواعد، ترکیبی) (آزمون کانون - ۱۴۰۱)

۹۶-۶. عین الخطأ حول الكلمات المعينة:

- (۱) في أيّ عبارة جاء أقلّ فعل مزيد. (اسم التفضيل)
(۲) استمع إلى كلام مدرّس الكيمياء. (فعل ماض من باب «استفعال»)
(۳) تعلّمنا درس اليوم بمساعدة مدرّسنا. (فعل ماض من باب «تفعل»)
(۴) الاستفادة من الجوّال في هذه الملاعب مسموحة. (اسم المكان)

(قواعد، صفحه‌های ۵ و ۶ کتاب درسی) (آزمون کانون - ۹۹)

۹۷-۷. عین کلمة على وزن أفعل ليست اسم تفضيل:

- (۱) هذا الفستان أزرق و ذلك القميص أصفر!
(۲) رأيت هذا الجبل أعلى من بقية الجبال!
(۳) السراويل الرجالية أجمل من الفساتين!
(۴) كانت مكتبة جندي سابور في خوزستان من أكبر المكتبات!

٩٨- ٨. عَيِّن الخَطأَ حول العبارة التَّالية: «ما أَرْضَى المؤمن رَبَّهُ بمثل الحلم ولا أَسْخَطَ الشَّيْطَانَ بمثل الصَّمْتِ.»

(مكمل التمرين الثاني، صفحة ١١ كتاب درسي) (أزمون كانون - ٩٩)

(١) ما أَرْضَى: الفعل الماضي للنفى

(٢) المؤمن: فاعل و مرفوع

(٣) أَسْخَطَ: اسم التفضيل

(٤) الشَّيْطَانَ: مفعول و اسم مفرد

(قواعد، تركيبی) (أزمون كانون - ١٤٠١)

٩٩- ٩. عَيِّن عبارةً ما جاء فيها المجرور بحرف الجر:

(١) يُقَدِّمُ لقمان الحكيم لابنه مَوَاعِظَ قِيَمَةٍ!

(٢) يُحِبُّ الآباءُ و الأمهات رُؤْيَةَ أولادهم في أحسن حال!

(٣) لا تَرْفَعُ صوتك فوق صوت مَنْ يتكَلَّمُ معك!

(٤) أَحَبُّ عباد الله إلى الله أَنْفَعُهُمْ لعباده!

(مرتبب با قواعد، صفحة ٩ كتاب درسي) (أزمون كانون - ٩٩)

١٠٠- ١٠. عَيِّن العبارة التي جاء فيها اسم المكان:

(١) فهمتُ أن الصَّبْرَ مفتاحٌ لكلِّ الشَّدائد!

(٢) إنَّ في قراءة الدَّرْسِ منافع كثيرة للطلَّاب!

(٣) كان لقمان يُقَدِّمُ لابنه مَوَاعِظَ قِيَمَةٍ!

(٤) الحفاظ على الملاعب على كلِّ متفرِّج واجب!

١٠
تست

پیمانہ ۱۱



درک مطلب

■ ■ ■ اقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ ثمَّ أجب عن الأسئلة بما يناسب النَّصَّ: (١٠١-١٠٥)

«إنَّ للمسلمين فضلاً عظيماً على الحضارة الجديدة. و قد أثبتتْ مُؤرِّخو العلوم الحديثة من الغربيين أنَّه لو لا المسلمون لَضاع أكثر العلوم القديمة و لتأخَّرت نهضة أوروبا الحديثة سِنينَ. و أمَّا العلوم التي نَبَّغَ فيها المسلمون ثمَّ نَشروها في الشَّرْقِ و الغرب فهي كثيرة؛ منها في ميدان الطَّبِّ و الجِراحَةِ كتاب «أبي القاسم الزَّهراوي» اسمه «التَّصريف لِمَن عَجَزَ عن التَّأليف» قد اشتمل على أكثر من مائتي شكلٍ للأدوات الجِراحِيَّة و كانت ترجمة هذا الكتاب مرجع الأَطبَّاء في الغرب. المسلمون هم الذين وَضَعُوا أيضاً أُسُسَ صناعة «الصَّيدلة» و أَلَفُوا الكُتُبَ فيها. أمَّا الجبر فقد أَوْضَحُوا معالمه و أضافوا إليه ما جعله علماً مستقلاً. و لمحمد بن موسى الخوارزميَّ أوَّل كتاب في الجبر و جعل المسلمون علم «المتلثات» علماً مستقلاً أيضاً.»

(درک مطلب، تركيبی) (أزمون كانون - ٩٩)

١٠١- ١. عَيِّن الخَطأَ حَسَبَ النَّصِّ:

(١) لو لا المسلمون لَضاعَ أكثر العلوم القديمة.

(٢) أَلَفَ أبو القاسم كتاباً في مجال الجبر.

(٣) جَعَلَ المسلمون علم الجبر علماً مستقلاً بإضافة أشياءٍ إليه.

(٤) أَوْضَحَ المسلمون معالمَ علم الجبر.

(درک مطلب، تركيبی) (أزمون كانون - ٩٩)

١٠٢- ٢. عَيِّن الصَّحِيحَ على حَسَبِ النَّصِّ:

(١) كان كتاب الزَّهراويَّ عن علم الطَّبِّ.

(٢) كانت ترجمة كتاب «الخوارزمي» مرجع الأَطبَّاء الغربيين.

(٣) قد اشتمل كتاب «التَّصريف...» على أكثر من ١٠٠ شكلٍ للأدوات الجِراحِيَّة.

(٤) أَلَفَ المسلمون كُتُباً في مجال الصَّيدلة بعد الأوروبيين.

(درک مطلب، ترکیبی) (آزمون کانون - ٩٩)

١٠٣-٣. عین الخطأ فی المحل الإعرابی للكلمات المعینة فی النص:

(١) الجديدة: صفة و مجردة بالتبعیة من الموصوف (الحضارة)

(٢) المسلمون: فاعل و مرفوع بالواو

(٣) الكتب: مفعول و منصوب

(٤) أول: خبر و مرفوع

(درک مطلب، ترکیبی) (آزمون کانون - ٩٩)

١٠٤-٤. ما هو الصحيح حول فعل «ألفوا» فی النص؟

(١) فعل ماضٍ - جمع مذکر غائب - معرب - مجهول - مزيد ثلاثی بزيادة حرف واحد

(٢) فعل أمرٍ - للمخاطبین - مبنی - المتعدی - مزيد ثلاثی بزيادة حرفین - المعلوم

(٣) الفعل الماضي - للغائبین - متعدٍ - مزيد ثلاثی من باب «تفعیل» - مبنی - المعلوم

(٤) فعل ماضٍ - جمع مذکر غائب - لازم - مزيد ثلاثی و مصدره «تألف» بزيادة حرف واحد

(درک مطلب، ترکیبی) (آزمون کانون - ٩٩)

١٠٥-٥. كم اسماً تفضيلاً فی النص؟

(١) إثنان (٢) ثلاثة (٣) أربعة (٤) واحد

■ ■ ■ اقرأ النص التالي ثم أجب عن الأسئلة بما يناسب النص: (١٠٦ - ١١٠)

من المسؤوليات المهمة للنساء في العالم هي العناية بالأسرة. الأخلاقيات والسلوكيات التي تُشاهدُها خارج البيوت تكون نتيجة للبذر الأول الذي بذرتهُ الأم في البيت. الأمهات يرسمن في ذهن أطفالهن الأهداف التي سوف يتبعونها في حياتهم و لذلك أكثر العلماء يعتقدون بأن الإصلاح الحقيقي للمجتمعات بيد الأم و كما نعرف مشاركة الأمهات في الخدمات الإجتماعية دورٌ مهمٌ لهن و من أحسنها مكافحة (مبارزه) الأمراض الروحية و الجسدية.

(درک مطلب، ترکیبی) (آزمون کانون - ١٤٠١)

١٠٦-٦. عین الصحيح للفراغ: «من مسؤوليات الأمهات هي أن....»

(١) لا يعتقدن بأمر المجتمع و يتمسكن بتربية الأولاد. (٢) يكافحن الأمراض و يصبحن طبيبات حاذقات للمجتمعات.

(٣) يتتبعن بالمسؤوليات الإجتماعية و الأسرية. (٤) لا يشاركن خارج البيت في الأمور المهمة.

(درک مطلب، ترکیبی) (آزمون کانون - ١٤٠١)

١٠٧-٧. «الهدف من النص هو» عین الصحيح:

(١) اختصاص تربية الأولاد بالأمهات فقط. (٢) أهمية دور النساء في إصلاح المجتمعات.

(٣) اهتمام الأمهات بدورهن في البيت فقط. (٤) الإحترام الأكثر للأمهاتنا في البيوت.

■ عین الخطأ فی المحل الإعرابی و نوعية الكلمات المعینة فی النص: (١٠٨ - ١١٠)

(درک مطلب، ترکیبی) (آزمون کانون - ١٤٠١)

١٠٨-٨. «تُشاهدُ»:

(١) فعل مضارع، للمتکلم مع الغير، مزيد بزيادة حرفین / فعل و فاعل

(٢) مصدره «مُشاهدة»، معرب، حروفه الأصلية «ش - ه - د» / فعل و فاعله «نحن» المستتر

(٣) فعل مضارع، مزيد ثلاثی من باب «مُفاعلة»، متعدٍ / فعل معلوم و فاعله فيه

(٤) فعل معرب و ماضیه على وزن «فَاعَلْ» و مزيد بزيادة حرف / فعل و فاعل

(درک مطلب، ترکیبی) (آزمون کانون - ١٤٠١)

١٠٩-٩. «الأم»:

(١) اسم، مفرد، مؤنث، معرب / فاعل و مرفوع (٢) اسم، معرب، جمعها الأمهات، معرب / فاعل لفعل «بَدَرْتُ»

(٣) اسم، مؤنث، مبنی، مفرد / فاعل و مرفوع (٤) اسم، مفرد، معرب، مؤنث / فاعل لفعل «بَدَرْتُ» و مرفوع

- (۱) فعل ماضٍ، للغائب، مزيد ثلاثي من باب «إفعال» / فعل و فاعله محذوف
- (۲) اسم تفضيل، من مادة «هـ.م.م» / صفة و مرفوعة بالتبعية من الموصوف (دور)
- (۳) اسم، معرب، مفرد، مذکر، اسم التفضيل على وزن «أفعل» / صفة
- (۴) مذکر، يُستعمل للرجحان، من فعل هم / صفة و مرفوعة

۱۰
تست

پیمانه ۱۲

■ اِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ بِدَقَّةٍ: (۱۱۱ - ۱۱۵)

فی یومٍ من الايامِ شاهدَ شابانِ رجلاً مُسِنَّاً مُنْحَنِ الظَّهْرِ، لَهُ يَدَانِ خَشِنَتَانِ وَ يَسْتَعِينُ بِعَصَا خَشِيْبَةٍ لِمَشْيِهِ. وَ دَلَّ ظَاهِرُهُ عَلَيَّ اَنَّهُ قَدْ تَحَمَّلَ صُعُوبَاتٍ كَثِيْرَةً فِي حَيَاتِهِ. فَقَالَ اَحَدُ الشَّابِيْنِ: اَنْظُرْ اِلَيْهِ اِنَّهُ كَالْقَوْسِ تَمَاماً! وَ قَالَ صَدِيْقُهُ: لَا تَسْتَهْزِئْ بِالْآخَرِيْنَ، هَذَا عَمَلٌ قَبِيْحٌ. وَلَكِنَّهُ مَا اِنْتَبَهَ، فَسَأَلَهُ: اَيُّهَا الْعَجُوْزُ! بِكُمْ اِشْتَرَيْتَ هَذِهِ الْقَوْسَ؟ وَ هُوَ نَظَرَ اِلَيْهِ كَرِيْماً وَ قَالَ بِهُدُوْءٍ: اِنْ تَعِيْشَ (تَعِيْش) يَا وَ لَدِيْ تَأْخُذْهَا بِلَا سَعْرِ، فَتَعَجَّبَ الْفَتَى وَ سَأَلَ صَدِيْقَهُ: مَا هُوَ مَقْصُوْدُهُ؟ فَأَجَابَ: الْاَفْضَلُ لَكَ اَنْ تُفَكِّرَ فِيْهِ بِنَفْسِكَ جَيِّداً لَعَلَّهُ يُسَبِّبُ عِبْرَتَكَ!

(درک مطلب، ترکیبی)

۱۱۱ - ۱. عَيْنِ مَا يَرْتَبِطُ بِمَفْهُومِ النَّصِّ أَكْثَرُ:

- (۱) افتادگی آموز اگر طالب فیضی / هرگز نخورد آب، زمینی که بلند است
- (۲) به دست آوردن دنیا هنر نیست / یکی را اگر توانی دل به دست آر
- (۳) همه کس به یک خوی و یک خواست نیست / ده انگشت مردم به هم راست نیست
- (۴) هر چند کازمودم از وی نبود سودم / من جرب المجرّب حلت به الندامة

(درک مطلب، ترکیبی)

۱۱۲ - ۲. عَيْنِ الصَّحِيْحِ حَسَبَ النَّصِّ:

- (۱) قام الشابان بالسخرية من رجل!
- (۲) من البداية فهم الشبان ما قال الرجل العجوز!
- (۳) حزن الرجل من سؤال الفتى و ما أجابه!
- (۴) حسب أحد الصديقين عمل صديقه قبيحاً!

(درک مطلب، ترکیبی)

۱۱۳ - ۳. لماذا تعجب الفتى بعد سؤاله؟ لأنه ...

- (۱) ينتظر أن يسمع هذا الجواب!
- (۲) انتبه و أدرك جواب السؤال و قبح عمله!
- (۳) ما كان قد فهم كلام الرجل و مقصوده!
- (۴) شاهد كرامة الرجل المسين و تواضعه!

(درک مطلب، ترکیبی)

۱۱۴ - ۴. ما هو المقصود من «إن تعيش يا ولدي تأخذها بلا سحر!»؟

- (۱) لا يمكن أن تحصل عليها يوماً!
- (۲) سوف تكبر و تصبح منحياً مثلي!
- (۳) يحصل عليها كل شخص بسهولة!
- (۴) إن تجتهد في حياتك يمكن الوصول إليه!

۱۱۵ - ۵. عَيْنِ الْخَطَا عَنْ نَوْعِيَةِ الْكَلِمَاتِ أَوْ مَحَلِّهَا الْإِعْرَابِيَّ: «الْأَفْضَلُ لَكَ اَنْ تُفَكِّرَ فِيْهِ بِنَفْسِكَ جَيِّداً لَعَلَّهُ يُسَبِّبُ عِبْرَتَكَ!»

(درک مطلب، ترکیبی)

- (۱) يُسَبِّبُ: الفعل المجهول
- (۲) لَكَ: الجارّ و المجرور
- (۳) عبرة: المفعول
- (۴) الأفضل: اسم التفضيل

■ اقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ بِدَقَّةٍ: (١١٦ - ١٢٠)

العُجْبُ هُوَ تَعْظِيمُ الْعَمَلِ الصَّالِحِ وَالِابْتِهَاجُ بِهِ، وَاعْتِبَارُ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ غَيْرَ مُقَصِّرٍ، مَنْ عَمَلَ أَعْمَالاً صَالِحَةً مِنَ الصَّوْمِ وَالصَّلَاةِ، يَكْتَسِبُ الْإِبْتِهَاجَ لِنَفْسِهِ، فَإِنْ كَانَ مِنْ حَيْثُ كَوْنِهَا مُوَهَّبَةً مِنَ اللَّهِ لَهُ، وَكَانَ مَعَ ذَلِكَ خَائِفاً مِنْ تَقْصِيهَا، طَالِباً مِنَ اللَّهِ الْإِزْدِيَادَ مِنْهَا، لَيْسَ ذَلِكَ الْإِبْتِهَاجُ عَجْباً، وَإِنْ كَانَ مِنْ حَيْثُ كَوْنِهَا صِفْتَهُ وَقَائِمَةً بِهِ، فَيُعْظَمُهَا وَرَأَى نَفْسَهُ خَارِجاً عَنِ حَدِّ التَّقْصِيرِ، فَذَلِكَ هُوَ الْعُجْبُ.
إِنَّ أَهْلَ الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ وَالذَّنُوبِ يَسْرُونَ (يَفْرَحُونَ) بِأَخْلَاقِهِمُ السَّيِّئَةِ، هُمْ يَتَصَوَّرُونَ أَنَّ الْإِيمَانَ بِاللَّهِ وَالتَّوَدُّدَ مِنَ ضَعْفِ الْعَقْلِ وَصِغَرِهِ، فَهُوَ أَسْوَأُ الدَّرَجَاتِ فِي الْعُجْبِ، فَيَذْهَبُ مَاءَ وَجْهِهِمْ تَدْرِيجِيًّا وَلا يَعْتَمِدُ النَّاسُ عَلَيْهِمْ أَبَداً

١١٦- ٦. عَيِّنِ الْمُنَاسِبَ لِعُنْوَانِ النَّصِّ: (درک مطلب، ترکیبی) (آزمون کانون- ٩٦)

- (١) العُجْبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ
(٢) تَعْرِيفُ الْعُجْبِ وَتَوْصِيْفُهُ
(٣) الْعُجْبُ وَالْإِيمَانُ
(٤) أَسْوَأُ الدَّرَجَاتِ فِي الْعُجْبِ

١١٧- ٧. عَيِّنِ الصَّحِيحَ: مَنْ يَفْقَدُ كِرَامَتَهُ عِنْدَ النَّاسِ؟ الَّذِي... (درک مطلب، ترکیبی) (آزمون کانون- ٩٦)

- (١) لا يَصُومُ وَلا يُصَلِّي كُلَّ الْأَيَّامِ!
(٢) يَفْرَحُ بِكُلِّ مَا عَمَلَ مِنْ خَيْرٍ وَشَرٍّ!
(٣) لا يَشْكُرُ اللَّهَ بِسَبَبِ أَعْمَالِهِ!
(٤) يُصْبِحُ أَهْلَ الذَّنُوبِ وَالغُرُورِ!

١١٨- ٨. عَلَي حَسَبِ النَّصِّ، عَيِّنِ الصَّحِيحَ: (درک مطلب، ترکیبی) (آزمون کانون- ٩٦)

- (١) إِنَّ الْعُجْبَ يَزِيدُ قُبْحَ أَعْمَالِ الْمُذْنِبِينَ!
(٢) الرَّجُلُ الَّذِي يُسْرُ بِمَا يَعْمَلُ يَوْمِيًّا فَهُوَ مَعْرُورٌ حَتْمًا!
(٣) مَنْ يَفْرَحُ بِأَعْمَالِهِ يَتَصَوَّرُ أَنَّ الْإِيمَانَ بِاللَّهِ مِنْ صِغَرِ الْعَقْلِ!
(٤) لا يَعْتَمِدُ النَّاسُ عَلَى إِنْسَانٍ يَقْدِرُ أَنْ يَكْتَسِبَ الْإِبْتِهَاجَ لِنَفْسِهِ!

١١٩- ٩. «فَإِنْ كَانَ مِنْ حَيْثُ كَوْنِهَا مُوَهَّبَةً مِنَ اللَّهِ لَهُ...»؛ مَا هُوَ الْمَقْصُودُ؟ (درک مطلب، ترکیبی) (آزمون کانون- ٩٦)

- (١) تُو خُودِ حِجَابِ خُودِي حَافِظِ از مِيانِ بَرخيز!
(٢) ز يزدانِ دَانِ نِه از اركانِ كِه كُوتِه ديدگي باشدا!
(٣) در آن دريا فكنِ خودِ را كِه موجش باشدا از حكمت!
(٤) زاهدِ مغرورِ اگَر در كعبه باشدا فاجرست!

١٢٠- ١٠. عَيِّنِ الْخَطَأَ عَنِ نَوْعِيَةِ الْكَلِمَاتِ أَوْ مَحَلِّهَا الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: (درک مطلب، ترکیبی) (آزمون کانون- ٩٦)

- (١) السَّيِّئَةُ: صِفَةٌ
(٢) الْإِيمَانُ: مَصْدَرٌ
(٣) أَسْوَأُ: اسْمُ التَّفْضِيلِ
(٤) الْعَقْلُ: مَجْرُورٌ بِحَرْفِ الْجَرِّ

پاسخ نامه

پاسخ‌نامه سوالات تشریحی

درس ۱: مَوَاعِظُ قِيَمَةٌ

الف. آنچه زیرش خط است را ترجمه کنید: ۱.

خودپسند / بنا بر این

ب. در جای خالی دو کلمه مترادف و دو کلمه متضاد بنویسید:

أَنْكَرَ = أَقْبَحَ (زشت‌تر) / مُتَوَاضِعٌ (فروتن) = فَخْرٌ (فخر فروش)

ج. کلمه‌ای را که با کلمات دیگر در معنا تناسب ندارد، مشخص کنید:

۱. محبوب‌تر - کوچک‌تر - سودمندتر - سیاه ■

۲. پنهان - رستوران ■ = پنهان - پوشیده

د. مفرد یا جمع دو کلمه را بنویسید:

أَفْضَلُ / الْفُنُونُ

جمله‌های زیر را ترجمه کنید: ۲.

الف) و بر چیزی (آسبی) که بر تو وارد آمده بردباری کن قطعاً این از کارهای مهم است.

ب) فرزندان به صرفه جویی در مصرف کردن آب و برق راهنمایی می‌شوند.

ج) بر ما لازم است (برماست) که در مقابل دوستانمان و هم‌شاگردی‌هایمان و همسایگان و هر آن که اطرافمان است فروتنی کنیم.

د) مؤمن پروردگارش را با [چیزی] مانند بردباری خشنود نکرد.

الف. ترجمه درست را مشخص کنید: ۳.

۱. با تَكَبَّرَ از مردم رویت را برنگردان.

۲. و با آن‌ها به روشی که نیکوتر است، بحث کن.

ب. جاهای خالی ترجمه فارسی را پر کنید:

۱. ... راه رفتن ... بدترین ... الاغ‌ها ...

۲. ... آفرینش ... رفتارم ... نیکو گردان.

۴. فعل‌هایی که زیرشان خط کشیده شده را ترجمه کنید:

۱. نمی‌شناسم.

۲. کمک کنید.

۳. کیفر نشد.

۴. بالا نبرد.

۵. الف) نوع فعل‌ها را در جمله‌های زیر مشخص کنید:

الف. ۱. اغْضُضْ: الأمر / لا تَرْقَعْ: المضارع للنهي / شَبَّهَ: الماضي / يَرْقَعْ: المضارع

ب. ۱. عَلِّمُوا / عَلَّمْنَا / عَلَّمَنَ ■

۲. اجْلِسْنَ ■ / اجْلِسُوا / اجْلِسُوا

۶.

آن‌چه را از تو خواسته شده بنویس.

الف. اسم مکان را مشخص کنید و آن را ترجمه نمایید:

اسم المكان: ۱. المَلْعَبُ: ورزشگاه. ۲. مَطَاعِمُ: رستوران‌ها

ب. کلمه‌ای را که با کلمات دیگر در نوع تناسب ندارد با بیان دلیل

مشخص کنید:

مُحَاوَلَةٌ: تلاش کردن (مصدر است و بقیه اسم مکان)

ج. اسم تفضیل را مشخص و آن را ترجمه کنید:

۱. خَيْرٌ: بهترین. ۲. أَقْلٌ: کمتر

د. اسم تفضیل را برای مؤنث مشخص کنید: كُبْرَى

هـ. صحیح را برای جای خالی مشخص کنید: أَعْلَى مِنْ

الف. نقش آن‌چه را زیرشان خط کشیده شده بنویسید: ۷.

عَدَاوَةٌ: المبتدأ و المرفوع / خَيْرٌ: الخبر و المرفوع

ب. اسم تفضیل و اسم مکان را مشخص کنید:

مُتَجَرٌّ: اسم المكان / أَفْضَلُ: اسم التفضيل

ج. عملیات ریاضی زیر را مانند مثال بنویسید:

$$۱۰ + ۵۰ = ۶۰$$

در دایره، عدد مناسب قرار دهید: ۸.

۱. اَلْجَبَّارُ (ستمگر زورمند): خودکامه‌ای که برای کسی حقی بر خویش نمی‌بیند.

۲. المَلْعَبُ (ورزشگاه): مکانی برای ورزش.

۳. المُنْكَرُ (کار زشت): کار بد و زشت.

۴. الأَبْيَضُ (سفید): رنگ لباس‌های پرستاران.

۵. الغالی (گران): چیزی که ارزان نیست.

۶. الخَدَّ (گونه): قسمتی از صفحه چهره.

جمله درست و نادرست را مشخص کنید: ۹.

۱. نباید صدایمان را روی صدای کسی که با او صحبت می‌کنیم بلند کنیم. ✓

۲. چاپخانه مکانی برای پختن غذاست. ✗

۳. برماست بر برادران و خواهرانمان تَكَبَّرَ بورزیم. ✗

۴. خودپسندی کار پسندیده‌ای نیست. ✓

۵. قیمت نقره از طلا ارزان‌تر است. ✓

۶. بدترین مردم شخص دو رو است. ✓

الف. به سؤال زیر پاسخ دهید: ۱۰.

شهر اهواز در کدام استان است؟ فی خوزستان.

ب. کلمات زیر را مرتب کنید و یک سؤال و جواب درست بنویسید:

أَيُّ الْأَلْوَانِ مِنْ هَذَا الْقَمِيصِ عِنْدَكُمْ؟ أَسْوَدٌ وَ أَزْرَقٌ.

پاسخ‌نامه سوالات چهارگزینه‌ای

درس ۱: مَوَاعِظُ قِيَمَةٌ

گزینه ۱

يجب علينا: ما باید / استهلاك: مصرف / الكهرباء: برق / نحتاج: نیاز داریم / حتى لا نواجه: تا مواجه نشویم / تشریح سایر گزینه‌ها:

۲) ضمير «نا» ترجمه نشده ... قطع شدن... (از موارد نادرست اند)

۳) ... که با قطع آن... (از موارد نادرست اند)

۴) ... که با قطع شدنش ... (از موارد نادرست اند)

گزینه ۲

«قَدَّمَ»: تقدیم کرد / «لسی»: به من / «صدیقی»: دوستم / «هدیة»: هدیه‌ای / «فی الحکمة و الموعظة»: در زمینه حکمت و پند / «کانت قیمة»: ارزشمند بود / «أرشدتی»: مرا هدایت نمود، مرا هدایت کرد / «إلی»: به سوی، به سمت، به / «سبیل الخیر»: راه خیر / تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: «هدیه‌ای را که دوستم»، «از»، «موعظه‌ای ارزشمند» و «هدایت می‌نماید» نادرست‌اند.

گزینه «۲»: «موعظه‌ای» (به صورت معرفه)، «است»، «خوب‌ترین راه» و «هدایت می‌کند» نادرست‌اند.

گزینه «۳»: «هدیه‌ای که» و «بهترین راه‌ها» نادرست‌اند.

گزینه ۳

«لا يَرْضَى»: راضی نمی‌شود / «أخى»: برادرم / «أَنْ يَسْبَ»: که دشنام دهد / «مَنْ»: کسی که / «سَخَطَهُ»: او را خشمگین کرده است، او را عصبانی کرده است / «بِحلمه»: با بردباری اش / «يُرضى الله»: خدا را خشنود (راضی) می‌سازد. / تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: «برادرم را»، «دشنام دادن» و ترجمه نشدن «ب» در «بحلمه» نادرست‌اند.

گزینه «۲»: «برادرم را»، «دشنام دادن» و «راضی می‌شود» نادرست‌اند.

گزینه «۳»: «خشنود می‌گردد» نادرست است.

گزینه ۱

در صورت سؤال «أحسن» اسم تفضیل است. بنابراین گزینه «۴»، «نیکو» صحیح نیست! «بأنتی هی أحسن» به صورت «با آنچه نیکوتر است» دقیق است و ترجمه گزینه های «۲» و «۳» دقیق نیست! در گزینه «۴»، «داناتر از آن‌هایی ...» ترجمه درستی برای «أعلم من ...» نیست!

گزینه ۲

«سُمِّيَتْ»: (فعل ماضی مجهول از سَمَّى) نامیده شد، نامیده شده است ← حذف گزینه های ۱ و ۳ / «عروس القرآن»: عروس قرآن / «بسبب»: به دلیل / «المفاهيم الجميلة التي»: مفهومی زیبایی که / «ستعلم»: (فعل مضارع اول شخص جمع) می‌آموزیم، یاد می‌گیریم ← حذف گزینه ۴

گزینه ۲

«من أفضل أعمال الكرم»: از بهترین کارهای انسان کریم (بخشنده) ← حذف سایر گزینه‌ها. / «الغفلة»: بی‌اطلاعی / «أخطاء الآخرين»: اشتباهات دیگران

۱۹

۲۰

۲۱

۲۲

۲۳

۲۴

۱۱

گزینه ۴

آبأوتنا: پدران ما / يُرشدوننا: ما را راهنمایی می‌کنند (ارشاد می‌کنند) / الأعمال الصالحة: کارهای شایسته / لأن: زیرا / الله: خداوند / يُحبب: دوست دارد / الذين: کسانی را که / آمنوا: ایمان آوردند / عملوا: انجام دادند

گزینه ۱

عليكم: شما باید، بر شماست / أن تكونوا: که باشید / ناهين: نهی‌کنندگان / المنكر: زشتی، کار ناپسند / الشدائد: سختی‌ها / أهمّ الأمور: مهم‌ترین کارها

گزینه ۲

«إن الإنسان ألدی»: انسانی که (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «ستصحیح» (فعل آینده): خواهد شد (رد گزینه‌های ۱ و ۴)

گزینه ۳

«كان يتكلم»: صحبت می‌کرد / «مع زميل مثله»: با یک همشاگردی مانند خودش / «ضحك»: (در این‌جا) می‌خندید / «فصحه»: پس او را نصیحت کرد / ترجمه درست سایر گزینه‌ها:

۱) با موضوع نماز پیمان ببندید: (تعاهدوا: فعل امر)

۲) صدای بلند به صدای خران تشبیه شده است. (شبهه: فعل مجهول است.)

۴) ... خدایی که شبانه بنده‌اش را حرکت داد. (أسرى به حرکت داد)

گزینه ۲

«أذع»: فرا بخوان / «إلى سبيل»: به راه / «ربك»: پروردگارت / «بالحكمة»: با دانش / «و الموعظة الحسنة»: اندرز نیکو / «و جادلهم»: گفت و گو کن / «بأنتی»: به [شبهه‌ای] که / «هی أحسن»: بهتر است.

گزینه ۴

قدّم: تقدیم کرد / الأمر بالمعروف: امرکننده به نیکی / موعاظ قیمة: پندهای ارزشمندی / لیشاب: به جوانانی / یمشون: راه می‌رفتند / فی الأرض: در زمین / بالمرح: با ناز و خودپسندی و شادمانه

گزینه ۱

«رئما»: چه بسا، شاید / «تستطيع»: بتوانی، قادر باشی / «أن تملك»: (که) مالک شوی / «بالظلم»: با ظلم / «كل ما تُريد»: هر چه را بخواهی / «ولكن»: ولی، اما / «بدعاء مظلوم»: با دعای یک مظلوم / «تفقد»: از دست می‌دهی / «كل ما»: همه (تمام) آن چه / «قد ملکت»: مالک شده‌ای / تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۲»: «توانسته باشی»، «دوست داری»، «مظلوم» (به صورت معرفه نادرست است)، «علیه تو»، «کسب کرده‌ای» و «از دست خواهی داد» نادرست‌اند.

گزینه «۳»: «نفرین» و «دستان تو» نادرست‌اند.

گزینه «۴»: «چیزهایی را که دوست داری»، «به‌دست آوری» و «چیزهایی» نادرست‌اند.

۱۸

۲۵.

گزینه ۱

«نعمته»: نعمت + ه ← نعمتش، نعمت خود
با همین مورد سه گزینه دیگر حذف می‌شوند، باید همواره مراقب
ضمیرهای چسبیده به انتهای اسم‌ها باشیم.

۲۶.

گزینه ۱

«یا عباد الله»: ای بندگان خدا / «لاتحزنوا»: غم نخورید، غمگین نشوید /
«فَ»: (در این جا) چه / «أنتم»: شما / «فی»: در / «أعلى»: بالاترین /
«درجة»: مرتبه / «إن»: اگر / «كُنتم»: باشید / «محبین له»: دوستدار او.
تشریح گزینه‌های دیگر:

در گزینه «۲»: «مراتب» جمع است و «درجة» مفرد آمده است، «أعلى»
به معنای بهترین نیست. در گزینه «۳»: «درجة» به معنای «مرتبه»
است، «هرگز» اضافی است. در گزینه «۴»: «هیچ‌گاه» اضافی است، «در
حالی که» معادلی در عبارت عربی ندارد.

۲۷.

گزینه ۲

«كُنْتُ أَعْرَفُ»: می‌شناختم ← حذف سایر گزینه‌ها.
«أكثر مقالاته»: بیش‌تر مقاله‌هایش / «صُحُفِ مَدِينَتِنَا»: روزنامه‌های
شهرمان

۲۸.

گزینه ۳

«يَجِبُ عَلَيَّ كَلْتًا»: همه ما باید، بر همه ما لازم است / «أَنْ نَنْهِيَ أصدقائنا
عَنْ الظُّلْمِ»: دوستانمان را از ستم بازداریم / «و نُنِيبَهُمْ عَلَى الأَعْمَالِ
الصَّالِحَةِ»: و آنها را بر کارهای نیک یاری رسانیم

۲۹.

گزینه ۲

تشریح گزینه‌های دیگر:
گزینه «۱»: «پندهایی ارزشمند» صحیح است.
گزینه «۳»: «تو نباید بالا ببری، برتوست که بالا ببری» صحیح است.
گزینه «۴»: «هرکسی که اطرافمان است، بزرگان» صحیح است.

۳۰.

گزینه ۳

«أراد»: خواست / «الوَلَدُ الأكبر»: پسر بزرگ‌تر / «أَنْ يَسْبُ»: ناسزا
بگوید، دشنام بدهد / «الَّذِي»: کسی که / «كَانَ سَبًّا»: دشنام داده بود،
ناسزا گفته بود / «أخاه الأصغر»: برادر کوچک‌ترش / «وَلَكِنْ»: ولی، امّا
/ «أباه»: پدرش / «لَمْ يَسْمَعْ لَهُ»: به او اجازه نداد

۳۱.

گزینه ۴

«الأخضر»: به معنی «سبز» و «الأزرق»: به معنی «آبی» است که جابه‌جا
ترجمه شده‌اند.

۳۲.

گزینه ۳

«أفضل نوعياته» به معنای «بهترین جنس‌هایش» است.

۳۳.

گزینه ۲

تشریح گزینه‌های دیگر:
گزینه «۱»: «ستیز کن» درست است.
گزینه «۳»: «بدتر از چارپایان است» درست است.
گزینه «۴»: «ایمان آوردیم» درست است.

۳۴.

گزینه ۲

«بِمشى مرحاً (مضارع اخباری)»: خودخواهانه راه می‌رود («راه رفتنی
متکبرانانه دارد» در گزینه ۱، «نوع راه رفتنش خودخواهانه است» در
گزینه ۳ و «چون متکبران» در گزینه ۴ نادرست هستند). «هذا نموذجُ
تربوي»: این الگویی (نمونه‌ای) تربیتی است (در گزینه‌های ۱ و ۳ «هذا:
این» ترجمه نشده است، هم‌چنین لفظ «ولی» در این دو گزینه اضافی
است. «این نمونه تربیتی» در گزینه ۴ نیز نادرست است، «هذا التَّمَوِجُ
التَّربوي» به این معنا است.) / «لِمَنْ»: برای کسی که («آنکه» در
گزینه‌های ۱ و ۳ ترجمه صحیحی برای «مَنْ» نیست. در گزینه ۴ نیز
«است که» در «برای کسی است که» نادرست است.) / «يتعلم (مضارع
اخباری)»: می‌آموزد، یاد می‌گیرد («آموخته است» در گزینه ۴ نادرست
است.) / «مِمَّن»: از کسی که (در گزینه ۱ ترجمه نشده است.) / «ليس
له أدب»: ادب ندارد («از بی‌ادبان» در گزینه ۱ و «در او ادب نیست» در
گزینه ۴ نادرست هستند).

۳۵.

گزینه ۱

ترجمه صحیح عبارت گزینه‌ی «۱»: خر حیوانی است که برای حمل و
سواری به کار گرفته می‌شود!

۳۶.

گزینه ۱

تشریح گزینه‌های دیگر:
گزینه «۲»: «ما أجمَلُ» اصطلاحی به معنای «چه زیباست!» است و اسم
تفضیل نیست.

گزینه «۳»: «غیبت از مهم‌ترین عوامل قطع ارتباط میان مردم است!»
درست است.

گزینه «۴»: «آیه‌ای از آیات سوره حجرات ما را نصیحت می‌کند: از
دیگران عیب نگیرید!» درست است.

۳۷.

گزینه ۳

ترجمه درست عبارت این گزینه: «مردم گناه می‌کنند و عده کمی از این
گناهکاران توبه می‌کنند!»

۳۸.

گزینه ۳

«أشياء أكثر»: (موصوف و صفت) چیزهای بیشتری
ترجمه درست عبارت: «مردم چیزهای بیش‌تری از آنچه بدان نیاز دارند،
می‌خرند!»

۳۹.

گزینه ۳

خداوند: «الله» / آرامش: «السَّكِينَة» / دل‌های: «قلوب» / پیامبران:
«الأنبياء، الرُّسُل» / مؤمنان: «المؤمنات، المؤمنین» / نازل می‌کند: «يُنزِلُ»

۴۰.

گزینه ۳

ترجمه کلمات مهم: «فرزندانمان»: أولادنا / «یاد می‌گرفتند (ماضی
استمراری)»: كَانُوا يَتَعَلَّمُونَ / «مفید»: النِّفَاعَة، المُفِيدَة / «از فرومایگان»:
عَنِ الأَرَاذِلِ / «دوری می‌کردند (در این‌جا: ماضی استمراری)»: يَتَعَدَوْنَ

۴۱.

گزینه ۳

همه گزینه‌ها غیر از گزینه «۳»، بر مفهوم «خوش خلقی» تأکید دارند.

۴۲

گزینه ۳

ترجمه آیه گزینه «۳»: «و در روی زمین با خودپسندی و تکبر راه نرو». این آیه با عبارت داده شده که می‌گوید از حد و حدود خود خارج نشو، ارتباط معنایی ندارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «و در راه رفتنت میانه‌روی کن.» آیه و عبارت داده شده هر دو به مفهوم اعتدال و میانه‌روی در کارها اشاره دارند.

گزینه «۲»: «و (در سخن گفتنت) از صدایت بکاه.» عبارت داده شده نیز با این آیه ارتباط معنایی دارد و هر دو به این مفهوم اشاره دارند که در سخن گفتن‌هایمان آرام صحبت کنیم و صدایمان را بلند نکنیم.

گزینه «۴»: «و بر آنچه (از مشکلات و سختی‌ها) به تو می‌رسد، شکیبایی کن.» آیه و عبارت داده شده هر دو به این مفهوم اشاره دارند که انسان باید در مقابل سختی‌ها و مشکلات صبور باشد.

۴۳

گزینه ۳

با در نظر گرفتن معنای عبارت صورت سؤال: «گاهی چیزی زیان می‌رساند که امید به سودش داری»، نزدیک‌ترین مفهوم را عبارت گزینه «۳» دارد: «چه بسا چیزی را دوست دارید درحالی که برای شما بد است!»؛ دقت کنید که مفهوم گزینه «۱» تا حدی متفاوت است: «چه بسا چیزی را ناپسند دارید درحالی که آن برای شما خوب است!»

۴۴

گزینه ۴

گزینه‌های دیگر همگی بر اهمیت اخلاق نیکو دلالت دارند، درحالی که گزینه «۴» در مورد دوری از خودپسندی است، ترجمه گزینه «۳»: «مؤمن شادی‌اش در چهره‌اش و ناراحتی‌اش در قلبش است!»، ترجمه گزینه «۴»: «خودپسندی دلیلی بر ضعف عقل انسان است!»

۴۵

گزینه ۳

تنها عبارات گزینه «۳» معادل نیستند، ترجمه گزینه‌ها: گزینه «۱»: «بدترین مردم انسان دوروست! انسان باید ظاهر و باطنش یکی باشد!» گزینه «۲»: «یک ساعت تفکر بهتر از هفتاد سال عبادت است! بندگان خدا آناند که شب و روز درباره‌ی آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند!» گزینه «۳»: «سکوت طلا و سخن گفتن نقره است! عاقل هرگاه بخواهد سخنی را بگوید، در آن اندیشه می‌کند!»

گزینه «۴»: «بهترین مردم کسی است که از خیانت دوری می‌کند!» بر شماسا امانت‌داری زیرا آن برایتان روزی می‌آورد!

۴۶

گزینه ۳

صورت سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که مخالف مفهوم عبارت «بهترین برادران شما کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه دهد!» باشد ← گزینه «۳» می‌گوید: «کسی که عیب‌های مرا می‌پوشاند از بهترین دوستان من است!»

ترجمه عبارت‌های دیگر:

گزینه «۱»: «گاهی اوقات انسان عیب‌هایش را فراموش می‌کند!»

گزینه «۲»: «بهترین دوستان کسی است که عیب‌هایم را ذکر می‌کند!» (مفهوم این گزینه، همان مفهوم عبارت صورت سؤال است!)

گزینه «۴»: «دوست هرگز نباید غیبت دوستش را بکند!»

۴۷

گزینه ۱

درست آن: شکسته شد

۴۸

گزینه ۴

کلمه «أَنْكِرُ = أَقْبِحُ» با هم مترادف هستند و هر دو به معنای «زشت‌تر، زشت‌ترین» می‌باشند.

ترجمه گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: «خودپسند = خودپسند»

گزینه «۲»: «فروتن ≠ فخر فروش»

گزینه «۳»: «فرومایگان ≠ شایستگان»

۴۹

گزینه ۴

کسی که یاد می‌گیرد: «الْمُعَلَّمُ» (اسم فاعل از مصدر «تَعَلَّمَ» به معنای یاد دادن) نادرست و «الْمُعَلَّم» (اسم فاعل از مصدر «تَعَلَّمَ» به معنای یاد گرفتن) صحیح است.

۵۰

گزینه ۴

هفتاد بیش‌تر از شصت است.

۵۱

گزینه ۳

معنی جمله صورت سؤال: «هم‌نشینی این دوست کوشا ما را بیش از پیش به موفقیت در کارهایمان نزدیک کرد.»

بنابراین «ما را نزدیک کرد» به صورت «قَرَّبْنَا» صحیح است!

۵۲

گزینه ۲

«این قیمت‌ها برای پیراهن مردانه گران است، آیا از این ارزانتر دارید؟!»

۵۳

گزینه ۱

«همانا پدران و مادران همواره فرزندان‌شان را به صفات پسندیده و کارهای نیکو مانند تکبر در برابر همسایگان راهنمایی می‌کنند!» با توجه به ترجمه عبارت، گزینه «۱» صحیح نمی‌باشد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۲»: «یادگیری هنرهای مفید»

گزینه «۳»: «دوری از فرومایگان»

گزینه «۴»: «اهتمام به ورزش»

۵۴

گزینه ۳

فعل «اسْتَعْفَرُوا» امر می‌باشد چون حرکت عین‌الفعل آن کسره (ه) است و در ضمن با توجه به ضمیر «کم» که دوم شخص جمع مذکر می‌باشد نیز قابل تشخیص است و ترجمه درست آن «طلب آمرزش کنید» است.

۵۵

گزینه ۳

این ایستگاه‌ها و پیراهن‌های زنانه را با قیمت‌هایی ارزان از مغازه خریدم. (نادرست)

کلمه مناسب برای جای خالی، «السَّرَّابِل» و یا هر لباس دیگری است.

ترجمه گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: «ما هدیه‌ای به هم‌شاگردی برنده‌مان در مسابقه اهدا کردیم.»

گزینه «۲»: «پدرم در مؤسسه‌ای تربیتی - فرهنگی کار می‌کند. (شاغل است).»

گزینه «۴»: «پرستار در بیمارستان و درمانگاه کار می‌کند.»

۵۶

گزینه ۴

ترجمه گزینه «۴»: «حیا نیکوست ولی در زنان نیکوتر است!»

عبارت گزینه «۴» قرابت مفهومی بیش‌تری با بیت صورت سؤال دارد.

۵۷

گزینه ۳

ترجمه عبارت: «مادرم روش خاصی برای پختن سریع شیرینی‌ها دارد!»
ترجمه سایر گزینه‌ها:

۱) گناه ۲) گل‌ها ۳) نقره ۴) نقره

۵۸

گزینه ۳

مطابق کتاب درسی، آیات همه گزینه‌ها غیر از گزینه «۳»، همگی از جمله نمونه‌های تربیتی برای هدایت جوانان هستند.

۵۹

گزینه ۳

پدرم: «والدی، اَبی» / همیشه: «دائماً» / خواهرم: «أختی» / یادگیری: «تعلّم» / هنرهای سودمند: «الفنون النّافعة» / راهنمایی کرده است: «قد أرشد»

۶۰

گزینه ۱

«بُعِثْتُ»: (فعل ماضی مجهول) فرستاده شدم / «لَأَتَمَّ»: تا کامل کنم

۶۱

گزینه ۳

قُرْبٌ (نزدیک شد) ≠ بَعْدَ (دور شد) با هم متضادند نه مترادف.

ترجمه سایر گزینه‌ها:

۱) إحترام = تَبَجُّل (بزرگداشت)

۲) فُخُور (فخر فروش) ≠ مُتَوَاضِع (فروتن)

۴) وَدٌّ (دوستی) = حُبٌّ (دوستی)

۶۲

گزینه ۴

ترجمه کامل عبارت: «داناترین مردم کسی است که علم مردم را به علم خودش بیفزاید و بدترین آن‌ها کسی است که به امانت اعتقاد ندارد!»
«أعلم: داناترین» / «شَرَّهم: بدترین آن‌ها»

۶۳

گزینه ۴

«نُهاة: بازدارندگان، جمع ناهی» با «معروف: کار نیک» متضاد نیست.

۶۴

گزینه ۱

«حِبِّبٌ: دوست می‌دارد»، «بُكْرَةٌ: ناپسند می‌دارد» مترادف نیستند، بلکه متضادند.
ترجمه سایر گزینه‌ها:

۲) إثم = ذَنْب (گناه)

۳) مَيِّت (مرده) ≠ حَيٌّ (زنده)

۴) نَهَى (نهی کننده) ≠ أَمَرَ (امرکننده)

۶۵

گزینه ۱

ترجمه صورت سؤال: برای اعضای بدن انسان گزینه درست را تعیین کن:
کاملاً تن انسان را می‌پوشاند (جلد: پوست) / عضو بویایی (أنف: بینی) / برای خوردن (سنّ: دندان) / عضوی زیر چشم (خَدّ: گونه)
ترجمه سایر کلمات: وجه: صورت / قشر: پوست / لسان: زبان

۶۶

گزینه ۲

سؤال شده است: قیمت این پیراهن مردانه چند است؟
گزینه «۲» می‌گوید: قیمت آن هشتاد هزار تومان است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: این پیراهن مردانه آبی است.

گزینه «۳»: این پیراهن مردانه برای همکارم است.

گزینه «۴»: این شلوار مردانه در مغازه است.

۶۷

گزینه ۱

قیمت این شلوار چقدر است؟ / شلواری بهتر از این می‌خواهم!
با توجه به معنا و مفهوم به راحتی مشخص می‌شود که مکالمه گزینه «۱» صحیح نیست. چرا که در قسمت دوم مکالمه، فروشنده می‌بایست قیمت شلوار را ذکر کند.

۶۸

گزینه ۳

ترجمه: «چرا پیراهن را از این مغازه خریدی؟»
جواب مناسب آن ← گزینه «۳»: به سبب قیمت ارزانش.

ترجمه گزینه‌های غیر مناسب: ۱) به خاطر قیمت گرانش!

۲) به خاطر عدم تخفیف مبلغش! ۴) زیرا جنسش بهتر نیست!

۶۹

گزینه ۴

در گزینه «۴» کلمات متضادی وجود ندارند.

معنای گزینه «۴»: «دوست راستگو کسی است که در عیب، تو را پسند دهد و در نبودت، تو را پاس بدارد.»

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: «أَحْسَنِي»: دوستانم / «عِدَاتِي»: دشمنانم، متضاد هستند.

معنای گزینه «۱»: «سعدی شیرازی می‌گوید: دوستانم مرا ترک کردند همان‌طور که دشمنانم می‌خواهند.

گزینه «۲»: «يَنْفَعُ»: سود می‌رساند / «يَضُرُّ»: زیان می‌رساند، متضاد هستند.

معنای گزینه «۲»: از همنشینی با احمق بهره‌بر، زیرا او می‌خواهد به تو سود برساند پس به تو زیان می‌رساند.

گزینه «۳»: «بُعِدَ»: دوری با «قُرْبَ»: نزدیکی و «عَذَابًا» و «السَّلَامَةَ» با هم متضاد هستند.

معنای گزینه «۳»: حافظ در دوری دوست، رنج و در نزدیکی‌اش سلامتی را می‌بیند.

۷۰

گزینه ۱

قیمت این میز چوبی چند است؟ - پس از تخفیف پنجاه هزار تومان است.
تشریح گزینه‌های نادرست:

گزینه «۲»: چه رنگی داری؟ - فقط سفید و سیاه داری.

گزینه «۳»: این لباس‌ها چند تومان است؟ - آن مغازه همکارم است. او شلوارهای بهتری دارد.

گزینه «۴»: قیمت چادر چند شد؟ - قیمت‌های پیراهن‌های زنانه برحسب جنس‌ها فرق می‌کند.

۷۱

گزینه ۲

«الميزان» اسم مکان نیست چون به معنی ترازوست و بر ابزار کار دلالت می‌کند.

۷۲

گزینه ۴

سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن «اسم تفضیل» بیشتری آمده باشد.
در گزینه (۴) چهار اسم تفضیل آمده است که عبارتند از: «أفضل»، «ألين»، «ألطف» و «الأخیرین». ترجمه: «بهترین شما کسی است که برای دیگران مهربان‌تر و لطیف‌تر باشد.»

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «از بدی‌ها به بهترین آفریدگان پناه می‌برم.» [فقط «أحسن» اسم تفضیل است. «أعوذ» فعل مضارع است. «الشّرور» هم به معنی «بدی‌ها» است و اسم تفضیل نمی‌باشد.]

گزینه «۲»: «شریف‌ترین مردم کسی است که برای خانواده‌اش مهربان باشد.» [تنها «أشرف» اسم تفضیل است.]

گزینه «۳»: «میان‌ترین کارها را دوست دارم زیرا آنها بهترین کارها هستند.» [«أوسط» و «خیر» اسم تفضیل هستند. «أحب» فعل مضارع صیغه متکلم وحده است و اسم تفضیل نیست.]

۷۳

گزینه ۴

بعد از اسم تفضیل حرف جر «مِن» می‌آید و یا با مضاف‌الیه می‌آید و در گزینه ۴: اسم تفضیل نیامده است.

۷۴.

گزینه ۴

در گزینه «۱» افعال «تظلمینی» و «تضرینی» نون وقایه دارند!

در گزینه «۲» فعل «سألوننی» نون وقایه دارد!

در گزینه «۳» افعال «یوصلنی» و «یستودعنی» نون وقایه دارند!

در گزینه «۴» افعال «شجعنی»، «نصحنی» و «ساعدنی» نون وقایه دارند!

۷۵.

گزینه ۱

سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن «اسم تفضیل» آمده باشد. در گزینه «۱» «الأراذل» که جمع مکسر «أرذل» است، اسم تفضیل می‌باشد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: «أحب» فعل مضارع صیغه «متکلم وحده» و به معنی «دوست دارم» می‌باشد. «أسالیب» نیز جمع مکسر «أسلوب» است و اسم تفضیل نیست.

گزینه «۳»: «ما أرضی» فعل ماضی باب «إفعال (إرضاء)» است و اسم تفضیل نیست. ترجمه: «دانش آموز تکالیفش را با تأخیر نوشت، لذا معلّم را راضی نکرد.»

گزینه «۴»: «أسخط» فعل ماضی باب «إفعال (إسقاط)» است و «الصبور» و «الشيطان» به ترتیب «فاعل» و «مفعول» آن هستند. ترجمه: «انسان صبور با بردباری خویش در برابر مشکلات، شیطان را خشمگین کرد.»

۷۶.

گزینه ۴

کلمه «أفضل» اسم تفضیل و مجرور به حرف جرّ «مین» است ولی در سایر گزینه‌ها به ترتیب: «خیر، أعلی، أجمل» خبر برای مبتدا هستند.

۷۷.

گزینه ۴

«أحب» فعل ماضی از باب «إفعال» و به معنای «دوست داشت» است، نه اسم تفضیل. در سایر گزینه‌ها «أبقى» (ماندگارترین)، «أقوی» (قویترین) و «خیر» (بهترین) اسم تفضیل هستند.

۷۸.

گزینه ۲

«أوجد» فعل ماضی از باب «إفعال» و به معنای «ایجاد کرد» است، نه اسم تفضیل.

۷۹.

گزینه ۳

«شر» زمانی اسم تفضیل است که به معنی «بدتر» یا «بدترین» باشد یعنی زمانی که مضاف شود یا بعد از آن «مین» بیاید. این اتفاق در گزینه (۳) رخ داده است.

۸۰.

گزینه ۱

در گزینه «۱»، «خیر» اسم تفضیل نیست، به ترجمه عبارت توجه کنید: «هرکس خوبی کند، نتیجه‌اش را قطعاً مشاهده می‌کند!»؛ به ترجمه گزینه «۴» هم توجه کنید (اگر در دام سؤال افتاده‌اید!): «او بهترین کسی است که در زندگیم دیده‌ام!»

۸۱.

گزینه ۴

«کبائر» جمع «کبیره» است که بر وزن اسم تفضیل نیست. «أراذل» جمع «أرذل» و اسم تفضیل، «أفاضل» جمع «أفضّل» و اسم تفضیل و «مطاعم» جمع «مطعم» و اسم مکان است.

۸۲.

گزینه ۳

«أرحم» به معنای «رحم‌کننده‌ترین» اسم تفضیل است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: «ما أجمل» به معنای «چه زیباست» اسم تفضیل نیست.

گزینه «۲»: «أعلم» به معنای «می‌دانم» فعل مضارع اول شخص مفرد است.

گزینه «۴»: «أنشد» به معنای «سرایید» فعل ماضی از باب «إفعال» است.

۸۳.

گزینه ۲

«مساکن» جمع «مسکن» و اسم مکان است.

در سایر گزینه‌ها کلمه‌ای که بر مکان دلالت کند، نیامده است.

۸۴.

گزینه ۲

«مفتاح» جمع «مفتاح» (کلید) است که اسم مکان نیست.

نکته:

اسم‌های مکان بر وزن‌های «مفعل» و «مفعول» و «مفعلة» می‌آیند و ملاک تشخیص در اسم‌های جمع، مفردشان است.

۸۵.

گزینه ۴

«صغری» نادرست است، زیرا اسم تفضیل در زمان مقایسه میان دو اسم مؤنث (همراه مین) به صورت مذکر به کار می‌رود. (صغری ← أصغر)

۸۶.

گزینه ۴

«مین» حرف جرّ و «أهم» اسم تفضیلی است که مجرور به حرف جرّ شده است. اسم‌های تفضیل در گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: «أعلی» خبر برای مبتدای «جبل»

گزینه «۲»: «خیر» خبر برای مبتدای «تفکر»

گزینه «۳»: «خیر» خبر برای مبتدای «عداوة»

۸۷.

گزینه ۲

صورت سؤال، گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن اسم تفضیل و اسم مکان با هم (معاً) وجود داشته باشد.

«أعز» (گرامی‌ترین) اسم تفضیل و «موقف» (محل ایستادن: پارکینگ) اسم مکان است. در گزینه «۱» فقط اسم تفضیل داریم (اکثر)، در گزینه «۳» فقط اسم مکان داریم (المدرسة) و در گزینه «۴» هیچ کدام وجود ندارد.

۸۸.

گزینه ۴

همان‌طور که در درس گفته شد دو کلمه «خیر/ شر» اگر معنای «بهتر/ بدتر» بدهند، اسم تفضیل هستند، اما اگر معنای «خوبی/ بدی» بدهند، مصدر محسوب می‌شوند. در گزینه «۴»، «شر» به معنای «بدترین» اسم تفضیل است.

ترجمه گزینه‌ها:

گزینه «۱»: ما در رسیدن به اهداف، بهترین اَمّت بودیم!

گزینه «۲»: اگر بر خدا اعتماد کنی، خوبی‌اش را در زندگی می‌بینی!

گزینه «۳»: هرکس شهوتش بر عقلش غلبه کند، از چارپایان بدتر است!

گزینه «۴»: هرکس دوستان را مسخره کند، او واقعاً بدترین مخلوقات است!

۸۹

گزینه ۳

صورت سؤال، گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن اسم مکان وجود داشته باشد. اسم مکان بر وزن «مَفْعَل، مَفْعَلَة» (یا جمع مکسر آن: مَفَاعِل) می‌آید و دلالت بر مکان وقوع فعل دارد. در گزینه «۳»، «مَسَاجِر» بر وزن «مَفَاعِل»، جمع مکسر «مَتَجِر»، به معنی «مغازه» و اسم مکان است. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: «مِظَلَّة» به معنی «چتر» ارتباطی با مفهوم مکان ندارد. گزینه «۲»: «مَأْدِبَة» به معنی «غذای مهمانی» ارتباطی با مفهوم مکان ندارد.

گزینه «۴»: «المُجَرَّب» با توجه به علامت فتحه روی عین‌الفعل و معنای آن (آزموده شده) اسم مفعول است.

۹۰

گزینه ۳

پیداکردن «محلّ اعرابی» یعنی نقش کلمات را در جمله‌ها پیدا کنیم، به ترجمه عبارت دقت کنید: «داناترین مردم کسی است که علم مردم را به علم خود بیفزاید!»، نقش درست کلمه‌ها در گزینه‌های دیگر: گزینه «۱»: مبتدأ و الجملة اسمیة (أَعْلَم اسم تفضیل است). گزینه «۲»: مضاف‌إلیه

گزینه «۴»: خبر

۹۱

گزینه ۲

«أُحِبُّ» (دوست دارم) فعل مضارع متکلم وحده است و اسم تفضیل نیست، ولی «مَجْلِس» اسم مکان است. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: المَصْنَع: اسم مکان / أَفْضَلُ: اسم تفضیل

گزینه «۳»: الأفاضِل (مفردش «أَفْضَل»): اسم تفضیل / «المَسَاجِد» (مفردش مَسْجِد): اسم مکان

گزینه «۴»: خَيْرُ (بهترین): اسم تفضیل / «المَعْبَد»: اسم مکان

۹۲

گزینه ۲

در گزینه جواب «الإخوان» جمع مکسر «أخ» و مذکر است و فعل جمع مذکر برای آن مناسب است (سَمِعُوا)، اگر «أخوان» بود، در آن صورت فعل مثنای «سَمِعَا» درست بود.

۹۳

گزینه ۲

«حَسَنَت» فعل ماضی از باب «تفعیل» و «حَسَن» فعل امر از باب «تفعیل» است. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: «بُعِثْتُ»: ماضی مجهول است و «أَنْتُمْ» مضارع معلوم است.

گزینه «۳»: «أَقْبَلُ» اسم تفضیل است ولی «المیزان» (ترازو) اسم مکان نیست.

گزینه «۴»: «خُلِقَ» فاعل است، ولی «نفس» مفعول است.

۹۴

گزینه ۴

«أَفْضَلُ» اسم تفضیل و صفت برای «سراویل» است، نه خبر.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: «خَيْرٌ» اسم تفضیل و خبر است.

گزینه «۲»: «أَنْعَمُ» اسم تفضیل و خبر است.

گزینه «۳»: «أَرْخَصَ» اسم تفضیل و خبر است.

۹۵

گزینه ۲

«أَعْرَفُ» فعل مضارع متکلم وحده و «مکتبَة» مفعول (اسم مکان) است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: «المسجدُ» نائب فاعل و اسم مکان است.

گزینه «۳»: «مَتَجِرٌ» فاعل و اسم مکان است.

گزینه «۴»: «الملاعِب» مجرور به حرف جر و اسم مکان است.

۹۶

گزینه ۲

«اسْتَمِعَ» فعل امر از باب (افتعال) است نه (استفعال).

۹۷

گزینه ۱

سؤال می‌گوید در کدام عبارت از وزن «أفعل» اسم تفضیل نیست:

جواب گزینه «۱» است، زیرا دو کلمه «أزرقُ» و «أصفرُ» بر رنگ دلالت

می‌کنند و اسم تفضیل نیستند.

اسم تفضیل در سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: «أعلى»

گزینه «۳»: «أجمل»

گزینه «۴»: «أكبر»

۹۸

گزینه ۳

«لا أَسْخَطُ» فعل ماضی منفی از باب «إفعال»، صیغه مفرد مذکر غائب

(للتغائب) و به معنی «خشمگین نکرد» است، پس «أَسْخَطُ» اسم تفضیل

نیست.

۹۹

گزینه ۳

کلمه «مَن» اسم به معنی «کسی‌که» است، و با حرف جرّ «مِن» فرق دارد.

در سایر گزینه‌ها به ترتیب: «إبن / أحسن / الله - عباد» مجرور به حرف

جرّ می‌باشند.

۱۰۰

گزینه ۴

در گزینه «۴»، کلمه «الملاعِب» جمع مکسر (به معنای «ورزشگاه‌ها») و

مفرد آن «الملعب» اسم مکان است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: کلمه «مفتاح» ابزار و به معنای «کلید» است.

گزینه «۲»: کلمه «منافع» جمع مکسر و به معنای «سودها» و مفرد آن

«منفعة» است.

گزینه «۳»: کلمه «مواعظ» جمع مکسر و به معنای «پندها» و مفرد آن

«مَوْعِظَة» است.

■ ترجمه متن:

به راستی که مسلمانان برتری عظیمی (بزرگی) بر تمدن جدید دارند و تاریخ‌نویسان علوم جدید از غربی‌ها اثبات کرده‌اند که اگر مسلمانان نبودند قطعاً بیش‌تر علوم قدیم از بین می‌رفت و قطعاً سال‌ها نهضت جدید اروپا به تأخیر می‌افتاد. و اما علومی که مسلمانان در آن‌ها رشد کردند سپس آنها را در شرق و غرب پراکنده کردند، بسیار است؛ از جمله آن‌ها در عرصه پزشکی و جراحی کتاب «أسی القاسم زهرای» است که اسم آن «التصريف لمن عجز عن التأليف» است که بر بیش از دو‌یست شکل از ابزارهای جراحی را شامل شده است و ترجمه این کتاب مرجع پزشکان در غرب بود. مسلمانان همان کسانی‌اند که هم‌چنین پایه‌های صنعت داروسازی را بنا نهادند و کتاب‌ها را در آن (زمینه) تألیف نمودند. اما جبر؛ پس نشانه‌هایش (علائمش) را بیان نمودند و به آن، چیزهایی افزودند که آن را علمی مستقل ساخت و محمدبن موسی خوارزمی اولین کتاب در جبر را دارد و مسلمانان علم «مثلثات» را نیز علمی مستقل قرار دادند.

۱۰۵.

گزینه ۲

در متن سه اسم تفضیل آمده است که عبارت‌اند از: اکثر (دو بار) و أول (یکبار)

■ ترجمه متن:

از مسئولیت‌های مهم زنان در جهان، همان توجه به خانواده است. امور اخلاقی و امور رفتاری را که آن‌ها را در خارج از خانه‌ها مشاهده می‌کنیم نتیجه دانه نخستینی است که مادر در خانه آن را کاشته است. مادران در ذهن کودکان خود هدف‌هایی را ترسیم می‌نمایند که در زندگی‌شان، آن‌ها را دنبال خواهند کرد. و بدان سبب است که بیشتر دانشمندان معتقدند که اصلاح واقعی جوامع در دست مادر است و همان‌طور که می‌دانیم مشارکت مادران در خدمات اجتماعی نقشی مهم‌تر برای آنان است و از بهترین آن‌ها مبارزه با بیماری‌های روانی و جسمی است.

۱۰۱.

گزینه ۲

«أبولقاسم (زهرای) کتابی در زمینه جبر تألیف کرد.» طبق متن نادرست است.

ترجمه گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: اگر مسلمانان نبودند، قطعاً بیش‌تر علوم قدیم تباہ می‌شد.

گزینه «۳»: مسلمانان علم جبر را با اضافه کردن چیزهایی به آن، علمی مستقل ساختند.

گزینه «۴»: مسلمانان نشانه‌های علم جبر را توضیح دادند.

۱۰۲.

گزینه ۱

کتاب زهرای درباره علم پزشکی بود. (طبق متن درست است.)

ترجمه گزینه‌های دیگر:

گزینه «۲»: ترجمه کتاب خوارزمی مرجع پزشکان غربی بود. (طبق متن نادرست است.) [کتاب او در زمینه جبر است.]

گزینه «۳»: کتاب «التصريف» بیش از صد شکل از ابزار جراحی را شامل شده است. (طبق متن نادرست است.) [ماتنی: ۲۰۰]

گزینه «۴»: مسلمانان کتاب‌هایی در زمینه داروسازی بعد از اروپاییان تألیف کردند. (طبق متن نادرست است.) [قبل از آن‌ها تألیف کردند نه بعدشان.]

۱۰۳.

گزینه ۴

«أول» مبتدای مؤخر برای خبر مقدم «لمحمد...» است.

۱۰۴.

گزینه ۳

«ألقوا» فعل ماضی، صیغه جمع مذکر غایب (للفائین)، مبنی، ثلاثی مزید از باب «تفعیل» با یک حرف زائد (مصدرش تألیف)، متعدی و معلوم است.

۱۰۶.

گزینه ۳

ار مسئولیت‌های مادران آن است که: «به مسئولیت‌های اجتماعی و خانوادگی توجه نمایند.»

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: به کارهای جامعه اعتقادی نداشته باشند و به تربیت فرزندان بپردازند.

گزینه «۲»: با بیماری‌ها مبارزه کنند و پزشکانی ماهر برای جوامع بشوند.

گزینه «۴»: در خارج از خانه در کارهای مهم مشارکت نمایند.

۱۰۷.

گزینه ۲

ترجمه عبارت: «اهمیت نقش زنان در اصلاح جوامع» است.

ترجمه گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: اختصاص داشتن تربیت فرزندان فقط به مادران است.

گزینه «۳»: توجه مادران به نقش خود فقط در خانه است.

گزینه «۴»: احترام بیشتر برای مادرانمان در خانه‌ها است.

۱۰۸.

گزینه ۱

در گزینه «۱»، «حرفین» غلط است و فعل «تُشاهدُ» مضارع باب «مُفاعلة» است و یک حرف زائد دارد.

۱۰۹.

گزینه ۳

در گزینه «۳»، مبنی غلط است.

۱۱۰.

گزینه ۱

تمامی موارد ذکر شده نادرست‌اند و «أهم» فعل نیست، بلکه اسم تفضیل و صفت است.

■ ترجمه متن

در روزی از روزها دو جوان، مرد سالخورده خمیده‌پشتی را دیدند، دو دست زبر داشت و برای راه رفتن از یک عصای چوبی کمک می‌گرفت. ظاهرش نشان از این داشت که در زندگی خویش سختی‌های بسیاری را تاب آورده است. یکی از آن دو جوان گفت: به او بنگر، به‌راستی مانند یک کمان تمام و کمال است! و دوستش گفت: دیگران را ریشخند نکن، این کرداری زشت است. ولی او آگاه نشد، پس از وی پرسید: ای پیرمرد! این کمان را به چند خریدی؟ و او با بزرگواری به وی نگریست و به آرامی گفت: فرزندم اگر زندگی کنی بدون بها آن را می‌گیری، جوان شگفت‌زده شد و از دوست خود پرسید: منظورش چیست؟ پاسخ داد: بهتر این که خودت خوب به آن بیندیشی شاید باعث عبرتت شود!

۱۱۵. گزینه ۱

این فعل معلوم است، زیرا فعلی مضارع از افعال گروه دوم است که بر روی دومین حرف اصلی‌اش (ب) کسره گرفته است. اگر این فعل مجهول بود، به‌صورت «يُسْتَبَبُ» می‌آمد. هم‌چنین دقت کنید که گزینه «۳» صحیح است: چه چیزی را سبب می‌شود؟؛ عبرتت را ← مفعول

■ ترجمه متن

خودپسندی همان بزرگ‌کردن کار شایسته و شادمانی از آن است، و این که انسان خودش را بی‌تقصیر به حساب آورد، هرکس که کارهایی شایسته، از روزه و نماز، انجام بدهد، شادمانی برای خودش به‌دست می‌آورد، پس اگر از این جنبه باشد که بخششی از سوی خدا به اوست و با این وجود، از کاستی آن ترسان بوده و خواستار افزایش آن از جانب خدا باشد، آن شادمانی، خودپسندی نیست، و (اما) اگر از جهت این باشد که آن، ویژگی او و متکی بر اوست و آن را بزرگ بشمارد و خودش را خارج از حد بدون تقصیر بداند، آن همان غرور است. اهل اخلاق ناپسند و گناهان به اخلاق بدشان شادمان می‌شوند، آنان گمان می‌برند که ایمان به خدا و دین‌داری از ضعف عقل و کمبود آن است، که آن بدترین درجات در خودپسندی است، پس به تدریج آبرویشان می‌رود و مردم هرگز بر آنان اعتماد نمی‌کنند.

۱۱۱. گزینه ۱

صورت سؤال بی‌تی را می‌خواهد که بیش‌تر به مفهوم متن مرتبط باشد، از آن‌جا که رفتار جوان تمسخر کننده، تکبر آمیز بود، گزینه «۱» مناسب مفهوم این بیت است.

۱۱۶. گزینه ۲

بهترین عنوان برای این متن، «تعریف خودپسندی و توصیف آن» است، چرا که کلی‌ترین عبارتی است که متن را توضیح می‌دهد.

۱۱۷. گزینه ۴

از متن دریافت می‌شود که: «کسی آبرویش (کرامتش) را نزد مردم از دست می‌دهد که اهل گناهان و غرور شود!» (به آخر متن مراجعه نمایید).

۱۱۸. گزینه ۱

«خودپسندی زشتی اعمال گناهکاران را زیاد می‌کند!»
تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۲»: «فردی که به آنچه روزانه انجام می‌دهد، شادمان گردد، بی‌شک مغرور است!» نادرست است.

گزینه «۳»: «هر کسی از کارهایش شاد شود، گمان می‌کند که ایمان به خدا از کوچکی عقل است!» نادرست است.

گزینه «۴»: «مردم به شخصی که می‌تواند شادمانی برای خویش به دست آورد، اعتماد نمی‌کنند!» نادرست است.

۱۱۹. گزینه ۲

منظور این است که اگر شخص فکر کند کار خوبی که کرده است، بخششی از سوی خداست، متهم به غرور نمی‌شود، مانند مفهوم گزینه «۲».

۱۲۰. گزینه ۴

به عبارت «مِنْ ضَعْفِ الْعَقْلِ» از متن توجه کنید:
«هِن» حرف جرّ / «ضَعْف» مجرور به حرف جرّ (و مضاف) / «الْعَقْلِ» مضاف‌إلیه

۱۱۲. گزینه ۴

«یکی از دو دوست کردار دوستش را زشت شمرد!»
ترجمه گزینه‌های نادرست:

گزینه «۱»: «دو جوان به مسخره کردن یک مرد پرداختند!»

گزینه «۲»: «از ابتدا دو جوان فهمیدند آنچه را پیرمرد گفت!»

گزینه «۳»: «آن مرد از سؤال جوان ناراحت شد و به او جواب نداد!»

۱۱۳. گزینه ۳

«چرا جوان بعد از سؤالش تعجب کرد؟» ← زیرا او ... سخن مرد و منظور وی را نفهمیده بود!

ترجمه گزینه‌های نادرست:

گزینه «۱»: «انتظار شنیدن این جواب را داشت!»

گزینه «۲»: «آگاه شد و به جواب سؤال و زشتی کارش پی برد!»

گزینه «۴»: «بزرگواری مرد مسن و فروتنی او را دید!»

۱۱۴. گزینه ۲

مقصود از این که «اگر زندگی کنی، بدون بها آن را می‌گیری» این است که همه بدون تلاش و پرداخت هزینه‌ای ناچار به پیری می‌رسند، بنابراین گزینه «۲» صحیح است: «پیر (بزرگ) و مثل من خمیده خواهی شد!»

ترجمه گزینه‌های نادرست:

گزینه «۱»: «امکان ندارد روزی آن را بدست آوری!»

گزینه «۳»: «هر شخصی آن را به راحتی به دست می‌آورد!»

گزینه «۴»: «اگر در زندگی بکوشی ممکن است به آن برسی!»